

CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف
Iranian Visual carpet Magazine
"کارپت پلاس" / شماره ۹ - تیر ۱۳۹۹



آقای دکتر کریم میرزایی

- هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- مدرس بین المللی طراحی سنتی ایران
- طراح و تولید کننده قالی و سوماک های نفیس



CARPET PLUS



ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

- صفحه نخست | شعر نیما توکلی [۳]
- سرمقاله | مریم طاهری [۵]
- تار | استاد محمد حسین بنام [۶]
- پود | مرحوم فیض الله صفدرزاده [۷]
- معرفی یک هنرمند | آنتونیو سنتین [۸]
- گفتگو | آقای دکتر کریم میرک میرزایی [۱۸]
- مقاله | نقش شیردرقالیچه های عشایری [۳۸]
- آموزش طراحی [۴۷]
- مقاله تخصصی | فرش تبریز [۵۲]

www.thecarpetplus.ir |   thecarpetplus

کارپت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران
سال دوم / تیر ۹۹ / شماره ۹

سردبیر: مریم طاهری تفرشی
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده
مدیر اجرایی: فرزانه مرادی
تحریریه: گروه نویسندگان
طراحی: آتلیه گروه سینج
سازمان تبلیغات و آگهی ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

لازمه ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کارپت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن های موبایل و فروش پی دی اف این مجموعه ممنوع است.



مادرم
نخ‌های قالی را دار می‌زد
دادگاه‌ها روشنفکران را
از عدالتِ مادرم گلستان می‌روئید
و
از عدالت آن‌ها قبر!
#نیما_توکلی



این نهمین شماره "کارپت پلاس" است که مقابل دیدگان شما پهن می شود. تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی "کارپت پلاس" آماده پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما عزیزان خواهد رسید.

عوامل منفی برطرف گردد تاثیرهای مثبت " فنگ شویی " تقویت خواهد شد. هدف کلی خلق جذابیت، امنیت و فضای برای پرورش احساسات است. مکانی که در آن بتوان در آرامش کامل، اهداف خود را برای لذت بردن از زندگی رضایت بخش دنبال کرد.

در این روزها که اکثر ما به اجبار در منزل کار می کنیم باید محیط را در آرامش کامل قرار دهیم هم برای کار و هم برای استراحت شبانه. اگر اتاق کار شما در اتاق خواب است هنگام خواب نمی توانید به راحتی استراحت نمایید چرا که مسائل کاری ذهن شما را مشغول نگه می دارد. سطح انرژی خواب و سطح انرژی کار با یکدیگر همگن نیستند. میز تحریر و تخت خواب باید از هم جدا باشند. اگر جابجایی میز تحریرتان غیر ممکن است راهی برای پوشاندن آن در شب بیابید مثلاً روی آن پارچه ای زیبا ببندید. مورد دیگری که برای این روزها که باید بیشتر در خانه بمانیم و اینکه باشگاههای ورزشی هم بسته هستند توصیه شده و هم برای روحیه بهتر اغلب تشویق شده ایم که در خانه ورزش کنیم اما وجود لوازم ورزشی در اتاق خواب زندگی عاطفی شما را به زمین ورزش تبدیل می کند. به هیچ عنوان فکر نکنید که می توانید از فضای زیر تخت خواب خود برای نگه داری وسایل ورزشی استفاده کنید. وسایل ورزشی روابط عاطفی شما را تخریب می کند و در توانایی شما برای خواب خوش، اختلال ایجاد می کند. لطفا همین حالا دستگاه تردمیل و یا دستگاههای ورزشی را به مکان دیگری منتقل کنید. می توانید با " فنگ شویی " محیطی آرام و پر از انرژی برای خود و خانواده فراهم کنید تا این روزها را به آرامی و با قدرت و انرژی مثبت پشت سر بگذاریم. آنقدر که این روش " فنگ شویی " به روحیه مان کمک می کند تصمیم گرفتیم که از این شماره به بعد یک مطلب کوتاه در باره چگونگی انجام آن در محیطی که در آن بسر می بریم و اشیا و یا حتی فرشهای بکار رفته در آن مطلبی بنویسیم. این اولین اقدام برای محیطی آرام بمنظور کار و استراحت در منزل می باشد. به امید روزهای خوب و پر انرژی.



روزهای قرنطینه و در خانه ماندن، نگرانی برای سلامتی و دلواپسی برای آینده چیزی است که همگی این روزها با آن درگیر هستیم و باعث شده آرامش و حیات مان را بهم بریزد. به نظر می رسد برای این وضعیت ناخوشایند پیش آمده کار زیادی جز صبوری و گذر از آن به شکل شایسته از دستمان بر نمی آید. برای این منظور و عبور آرام از این بحران و با توجه به ماهیت مجله یعنی فرش، بر آن شدم تا با ارایه یکی از روش های کهن مرتبط با مفروشات و اکسسوری های منزل یعنی فنگ شویی، آن را با شما به اشتراک بگذارم.

" فنگ شویی " روش باستانی چینی است که به افزایش جریان سودمند انرژی چی (انرژی موجودات) در محیط خانه کمک می کند. فنگ شویی دارای ۵ عنصر است: آتش، آب، زمین، چوب و فلز که هر کدام از این عناصر به ورود انرژی های مختلف به داخل خانه به طریقی کمک می کنند. و هر عنصر رنگ و ویژگیهای خاص خود را داراست.

" فنگ شویی " به معنای باد و آب است. همانطور که هوای تازه، آب گوارا و غذاهای سالم بدن فیزیکی ما را تغذیه می کنند " فنگ شویی " همچون نسیمی آرام با بخار آبی پر پیچ و خم درون خانه جریان می یابد. " فنگ شویی " از اشکال، رنگ ها، بافت ها، ترکیبات، اصوات، نورها، تصاویر، نمادها و چیدمان منزل برای تعدیل میزان انرژی درون منزل استفاده می کند. اگر





استاد محمد حسین بنام

متنوع‌تر استفاده کرده است. در رنگبندی نیز پیرو سبک تبریز بوده و با سایه زدن تنالیده‌ای در برگ‌ها و اسلیمی‌ها و گلبرگ‌های گل‌ها طرح را همچون باغ همیشه بهار در آورده است. سبک خاص طراحی ایشان در قالی تبریز سبب ساز بنیان‌گذاری مکتب "طرح بنام" گشته که اکثر طراحان معاصر آذربایجان پیرو خواسته و یا ناخواسته آن گشته‌اند.

از جمله مشخصات مکتب طرح بنام در طراحی قالی میتوان به نکات زیر اشاره کرد

- استفاده از طرح گلهای سرخ و بنفشه به صورت خوشه‌ای
- به‌کارگیری نقوش چُذنی (گچ بری) سبک باروک و رومانسک و رنسانس

- رنگ آمیزی‌های منحصر به فرد در زمینه و حاشیه و استفاده از رنگهای کرم / مسی / فیروزه‌ای / مشکی

- تغییر ابعاد معمولی قالی بر اساس شناخت از سلیقه خریداران غربی

- استفاده از اشعار در قالی (بخصوص اشعار حافظ)

- ذکر نام طراح و بافنده و محل تولید در گلیم باف به صورت پرچم

- ایجاد پرسپکتیو با نوع سایه زنی به فرمها و نقوش

- ایجاد بُعد در قالی به وسیله چیدمان نقوش

- طراحی قالی‌های تابلویی خاص با موضوعات تاریخی

نمونه با ارزش و بسیار زیبایی از طرحهای تصویری استاد بنام، تابلو فرشی به نام (فرش مشروطیت) می‌باشد. در چهار گوش فرش درون قابهای زیبایی، تصاویری از سران مشروطه و بزرگان تاریخ آذربایجان طراحی و بافته شده است و در متن مضامینی از نبردها و وقایع تاریخی ایران که به (قالی بزرگان تاریخ) معروف است که هم اکنون در موزه تبریز نگهداری می‌شود.

سایه شان مستدام باد



استاد محمد حسین نجف‌زاده که در تبریز با عنوان (بنام) مشهور است، محمد حسین بنام در ۱۹ فروردین ۱۳۳۲ در تبریز زاده شد. تحصیلات خود را در رشته مدیریت به پایان رسانید، سپس در زمینه نقاشی رنگ و روغن دست به مشق کردن از آثار اساتید بزرگی چون رپین، داوینچی زد. بی‌شک یکی از مبتکرین و خلاق‌ترین طراحان دوران خویش است. که با ایجاد سبکی نو و شکستن قید و بندهای طراحی توانست نام خود را با نام فرش ایران و به خصوص فرش تبریز همراه نماید. ذوق به نقاشی که از دوران کودکی با روح وی عجین شده بود و در تمام دوران تحصیلی با او همراه بود، وی را بر آن داشت تا جهت شکوفایی استعداد درونی و پاسخ به علایق و تمایلات روحی، رشته طراحی قالی و مینیاتور را انتخاب نماید. در سال ۱۳۴۹ اولین کار تجربی خود را در زمینه طراحی فرش انجام داد. وی حدود ۴۵۰ طرح گل و بوته و ۱۵۰ تابلو فرش را طراحی کرده است. طرحهای استاد بنام امروزه تحت عناوین گلریزان، گل‌آبادر گلگشت و گلزار مشهورند و تعداد آنها بالغ بر ۴۰۰ طرح است. تصاویر طراحی شده در این گونه قالی‌ها اکثراً مجالس برگرفته از اشعار نغز شاعران مشهوری چون حافظ و سعدی و فردوسی و ادبیات کهن این مرز و بوم می‌باشد. در طرحهای استاد بنام و استفاده زیاد از گلهای طبیعی مانند رز و همچنین ترسیم دسته‌ها و شاخه‌های پر از گلهای زیبا می‌باشد. او قالب کارش را از سبک و سیاق سنتی خارج کرده و از گلهای شاه عباسی به گونه‌ای

#تار

مرحوم فیض‌الله صفدرزاده حقیقی

#پود

آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. و از برجسته‌ترین کارهای ایشان تابلو فرش بی نظیر جاده جدید ابریشم است که با ۲۲ میلیون گره، ۱۸۶ رنگ و ابعاد ۱۲ در ۳/۷۰ به مدت ۹ ماه توسط خانواده هنرمند صفدرزاده حقیقی و بافندگان اصفهان بافته شد و در موزه راه ابریشم هانچونگ نصب شد.

پیکر این هنرمند و استاد برجسته در قطعه نام‌آوران آرامستان باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرمی باد

زنده‌یاد فیض‌الله صفدرزاده حقیقی متولد ۱۳۲۱ در یک خانواده آشنا با حرفه و هنر فرش‌بافی به دنیا آمد. وی از دانش‌آموختگان هنرستان هنر اصفهان بوده که نقاشی را نزد استاد رستم شیرازی و رشته فرش را نزد برادر خود استاد غلامعلی صفدرزاده حقیقی و استاد عیسی بهادری فرا گرفت.

مرحوم صفدرزاده پس از پایان دوره آموزشی هنرستان به استخدام اداره سازمان میراث فرهنگی درآمده و زیر نظر یک هیات ایتالیایی (ایز مئو) مدت ۶ سال در رشته مرمت نقاشی‌های ابنیه تاریخی اصفهان آموزش دیدند و بعد از آن از سازمان میراث فرهنگی به اداره فرهنگ و هنر منتقل شده و در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان درکارگاه قالیبافی مشغول کار شدند و در مدت ۶ سال حضور ایشان در این هنرستان در اجرای طرح‌های بی نظیر استاد عیسی بهادری و بافت پرتره‌های چندی از سران کشورهای جهان و فرش تاریخی ۱۲۱ متری مجلس شورای اسلامی که طرح آن از استاد رستم شیرازی بود همکاری داشتند.

ایشان پس از ۱۲ سال خدمت در دستگاه‌های دولتی در سال ۱۳۵۵ از کار دولتی انصراف داده و بطور مستقل وارد عرصه هنری شدند. از سوابق این هنرمند فقید می‌توان به همکاری در سازمان میراث فرهنگی و مرمت و ترمیم نقاشی‌های برخی از بناهای تاریخی اشاره کرد.

از برجسته‌ترین آثار استاد فیض‌الله صفدرزاده حقیقی می‌توان به چهار تخته دست‌بافته زیبا به نام‌های؛ بارگاه حضرت رضا (ع)، تصویری از شبستان مسجد وکیل شیراز، نمای کاخ چهلستون و گلدسته اله‌اکبر اشاره کرد که در گنجینه فرش





آنتونیو سنتین _ Antonio Santin

آنتونیو سنتین

هنرمند مادریدی است و متولد ۱۹۷۸ است و در سال ۲۰۰۵ از دانشگاه هنرهای زیبای مادرید فارغ التحصیل شده است و اکنون در نیویورک زندگی می کند

این هنرمند آثاری تولید می کنند که تقریباً غیرممکن است تشخیص دهید نقاشی هستند. تصاویر فوق واقعی از فرش با طرح و الگوهای گلدار و پیچیده. هر اثر از هزاران ضربه قلم مو تشکیل شده که بافت مواج قالی را با قطعات ضخیم رنگ روغن تقلید می کند و بوم های ۱/۵ متری او را متحول می کند. چیز دیگری که بر دشواری و پیچیدگی نقاشی های پر جزئیات او افزوده، برآمدگی و چین هایی است که در سطح قالی ظاهر شده، طوری که به نظر می رسد چیزی زیر این سطح دو بعدی پنهان است.

بعضی از تابلوهای این هنرمند در اندازه های واقعی فرش کشیده شده است و در گالری ها و نمایشگاه های نیویورک و کشورهای دیگر به نمایش در آمده است.







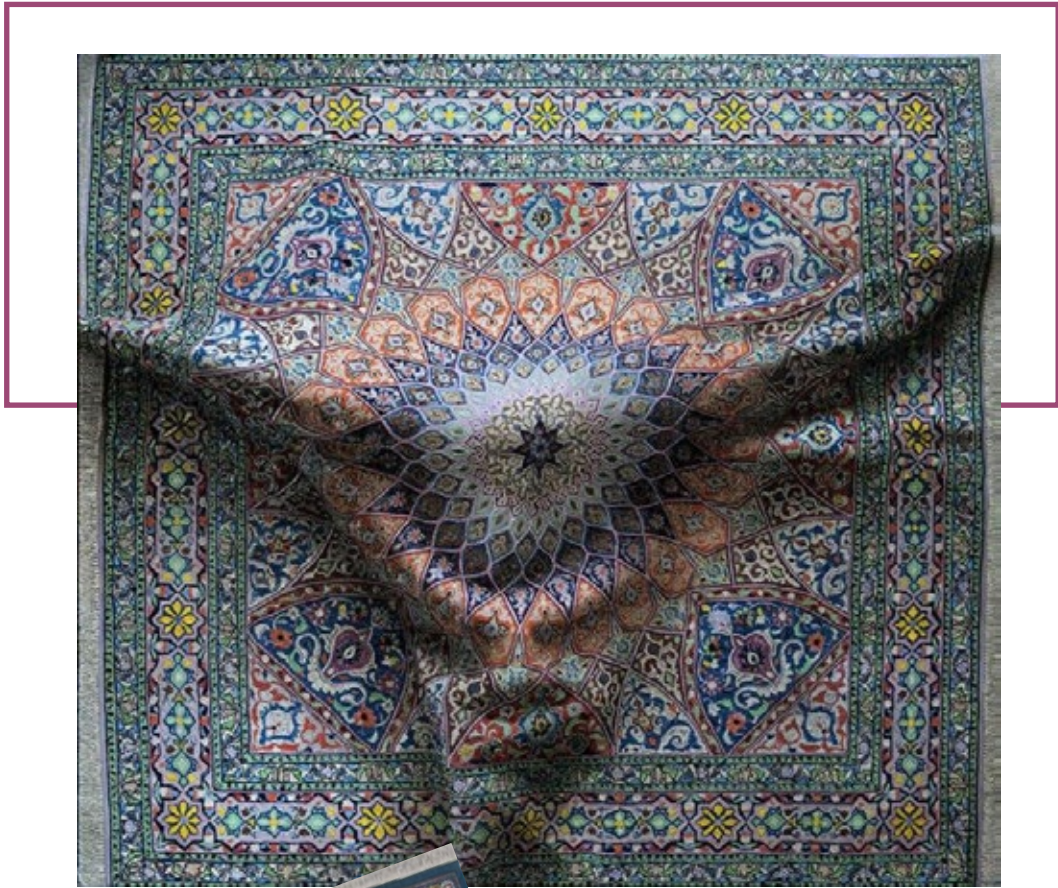












این یک گفتگوی خودمانیست با یکی از دست اندرکاران فرش نه مصاحبه رسمی ، بهمین سبب هر آنچه که نوشته شده بی هیچ کم و کاست و با همان لحن گفتمان نگارش شده است.

گفتگو



آقای دکتر کریم میرزایی
- هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- مدرس بین المللی طراحی سنتی ایران
- طراح و تولید کننده قالی و سوماک های نفیس

۱- لطفا بیوگرافی خود و اینکه چگونه وارد دنیای فرش شده اید را بفرمائید.

- کریم میرک میرزایی متولد ۲۰ خرداد ۱۳۵۱ در آذربایجان شرقی هستم و دیپلم نقاشی را از هنرستان "میرک" تبریز در سال ۱۳۶۸ گرفتم و کاردانی هنرهای سنتی، مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی را در سال ۱۳۷۴ گذراندم. و برای کارشناسی در همان مرکز در رشته موزه داری قبول شدم. پایان نامه من در مورد سبک شناسی فرش بود. در سال ۱۳۸۵ کارشناسی-ارشد رشته صنایع دستی، دانشگاه هنر را گذراندم و در سال ۱۳۹۴ موفق به دریافت دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، از دانشگاه شاهد شدم.

۲- پس مسئولیت های اجرایی شما در هنر بعد از کسب فوق لیسانس آغاز شد؟

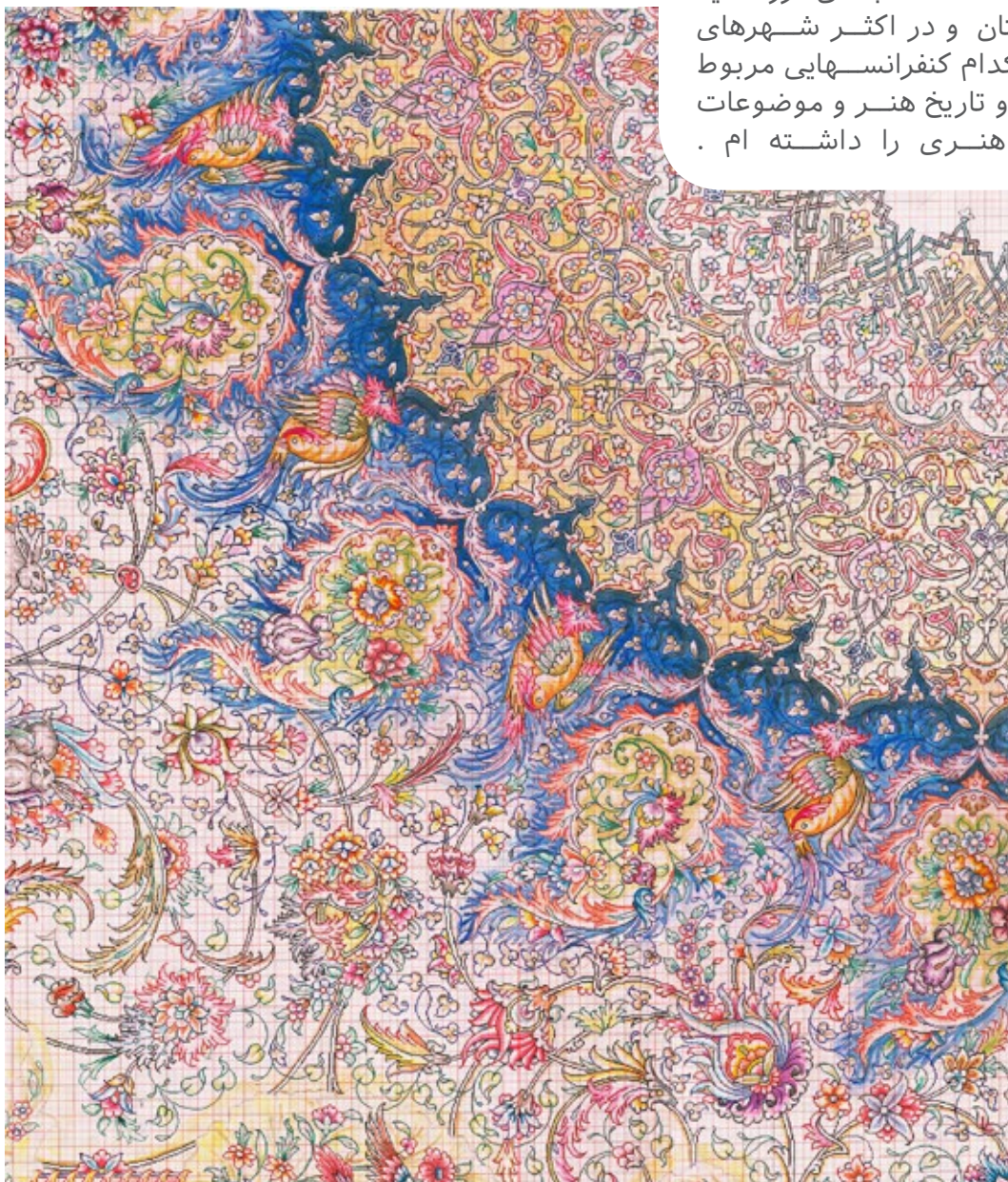
- تقریباً بله. البته بعد از تمام شدن فوق لیسانس در دانشگاه آغاز شد و بعد از دکترای آن بیشتر شد بطوری که تقریباً تمام وقت من به آموزش و کنفرانسها می گذشت. من در سال ۱۳۸۷ رئیس دبیرخانه اجرایی "همایش بین المللی باستانشناسی، هنر و فرهنگ تمدن هلیل رود (جیرفت)"، در فرهنگستان هنر، تهران و کرمان، بودم. در همان سال رئیس دبیرخانه اجرایی "همایش بین المللی مکتب شیراز"، فرهنگستان هنر، تهران و شیراز، را نیز به عهده داشتم. و باز در آن سال دبیر کمیته "تهیه و تدوین نظام نامه موزه های ایران"، شورای عالی انقلاب فرهنگی را داشتم. و عضو هیأت مدیره "انجمن علمی فرش ایران"، وزارت علوم و فناوری. تهران، از سال ۱۳۸۹ هستم و در سال ۱۳۹۴ رئیس کمیته بین المللی "دومین جشنواره بین المللی خلاقیت و نوآوری تبریز در هنرهای اسلامی و صنایع دستی" با همکاری (IRCICA)، تبریز بودم. در سال ۱۳۹۶ دبیر اجرایی "سومین جشنواره بین المللی خلاقیت و نوآوری تبریز در هنرهای اسلامی و صنایع دستی" با همکاری (IRCICA)



۳- آقای میرزایی شما فعالیت های هنری و شرکت در نمایشگاهی بسیار داشتید آیا مقالات و کتاب نیز داشته اید ؟

- بله من از سال ۱۳۷۹ به بعد در حیطه کاری خودم با موضوعات متفاوت ، مقالات بسیاری در نشریات داشتم از جمله در نشریه پیام کاشان ، مجله طره ، مجله گلابتون، اردکان یزد، مجله تندیس ، ماهنامه قالی ایران، ماهنامه جهان هنر، فصل نامه علمی و پژوهشی گلجام داشتم . در مورد چاپ کتاب هم چند کتاب را انتشار دادم . عبارتند از : درآمدی بر هنر

تبریز انجام دادم و در همان سال در دانشگاه هنر اسلامی تبریز دبیر اجرایی "همایش ملی بررسی اندیشه های علامه جعفری (ره)" بر عهده داشتم . و یکی دیگر از سمت هایی که خیلی مورد توجه و علاقه خودم نیز بود ،عضویت هیأت کارشناسی و اجرایی "موزه فرش سلطان احمد استانبول" بود . من از سال ۱۳۷۹ تا کنون کنفرانس های بسیار زیادی در ایران و کشورهای مختلف دعوت شدم از جمله کشور کرواسی ، فرانسه ، آذربایجان، ترکیه ،لتونی، استونی، فنلاند، لبنان ، روسیه ، گرجستان و در اکثر شهرهای ایران هر کدام کنفرانسهایی مربوط به فرش و تاریخ هنر و موضوعات مختلف هنری را داشته ام .





اسلامی- ایرانی، نگارگری)، با نگاه به آثار مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، آستان قدس رضوی، تهران توسط نشر پیکره در سال ۱۳۹۰ منتشر شد.

۴- ما خبرداریم که شما به خاطر فعالیت های ارزشمندتون تقدیر نامه های زیادی دریافت داشته اید ممکنه که چند تا از این تقدیر نامه ها را بفرمایید؟

- در سال ۱۳۷۶، در طراحی فرش سومین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایرانی-اسلامی، برگزیده شدم. و در همال سال رتبه اول در هر سه شاخه ابداع در طراحی، ارائه رنگ پردازی و بهره گیری از اصالت های فرش در دومین دوره مسابقه طرح ها و نقشه های فرش ایران، را از (مهندس محمد سعیدی کیا، وزیر جهاد سازندگی وقت دریافت کردم. و مجددا در سال ۱۳۷۹ باز هم رتبه اول در هر سه رشته را از سید محمد بهشتی، رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور وقت گرفتم. و باز در همان سال دیپلم افتخار و عضویت افتخاری انجمن هنرمندان فرش دستباف ایران را از آقای عباس بشیری، نماینده مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس هیات امناء دریافت کردم.



۵- آیا شما جزء هیئت علمی دانشگاه هم هستید؟

- بله ، بصورت دائمی هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز را دارا می باشم . و در این سالها در شهرهای مختلف در دانشگاههای متفاوت عضو هیات داور و علمی را بوده ام.



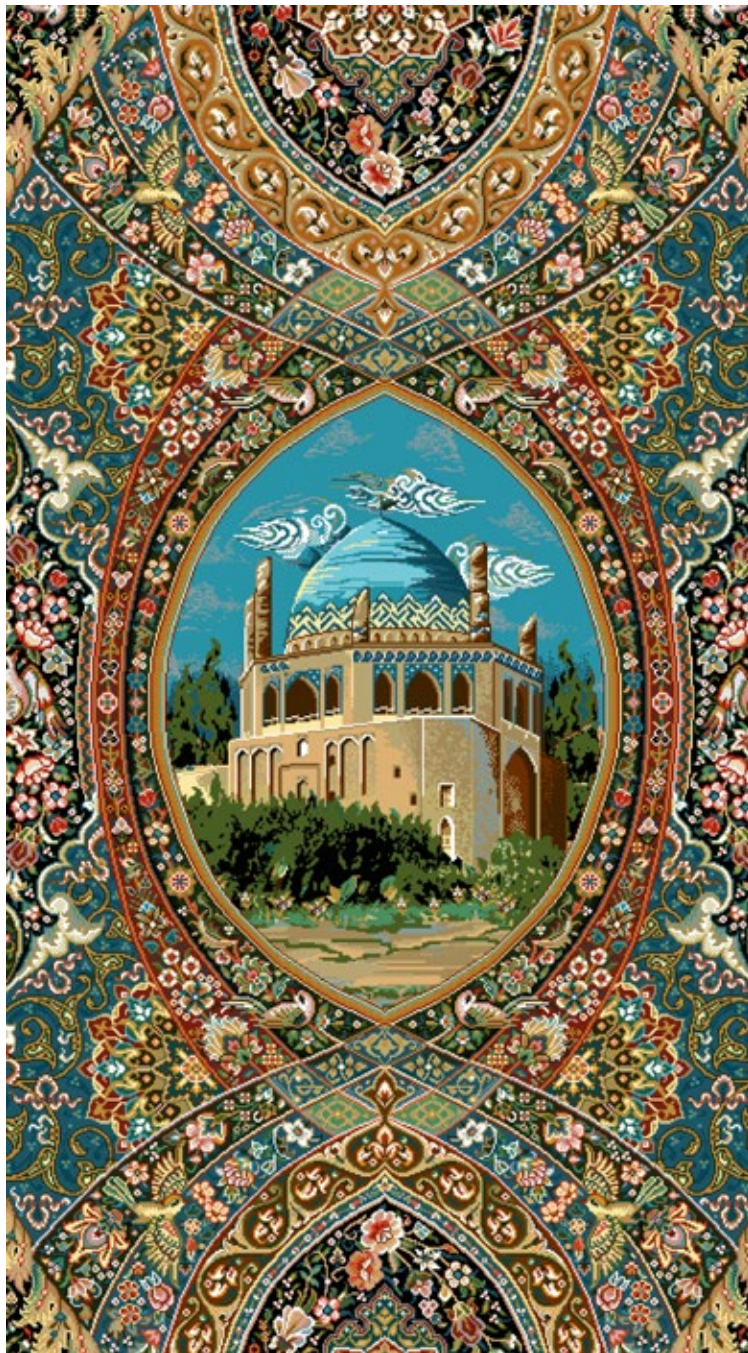
۷- آیا شما قبل از تحصیلات دانشگاهی با طراحی فرش آشنایی داشتید؟

- من هنوز مدرسه نمی رفتم که در خانه مادر قالی بافی می کرد به سبک روستایی قراجه داغ، لمبران و حماملو. در دوره راهنمایی هم تابستانتها در کارگاه قالی بافی به سبک فرش تبریز فرش می بافتم. درست در دوم راهنمایی بود که به طراحی قالی نیز پرداختم چون به طراحی علاقه خاصی داشتم. یادم هست یکی از آشنایان به نام آقای حسین پُرکار که کارگاه قالی بافی داشتند یک نقاشی نسبتاً کهنه از شکار بهرام گور را برایم آورد که در کاغذ شطرنجی

۶- استاد، شما در دانشگاه های خارج از کشور نیز جزء هیئت علمی بوده اید؟

- بله در آبان ۱۳۸۹ سمپوزیوم بین-المللی فرش، دانشگاه آک-دنیز، ترکیه، آلتانیا. و در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۰ عضو هیئت علمی "ترکیه، دانشگاه آک-دنیز، آنتالیا. و در سال ۱۳۹۲، عضو هیئت علمی "International Handi Made Symposium" ترکیه، دانشگاه سلجوق. قونیه بوده ام.

کپی کنم. و من با آبرنگ این کار را انجام دادم و این اولین دستمزد طراحی قالی من محسوب می شد. بعد هم وارد هنرستان شدم که فقط به صورت گرایشی



تذهیب و نگارگری یادمان دادند ولی من از دوم هنرستان شروع به طراحی قالی کردم و یک مغازه هم داشتیم که آنجا را دفتر کار انتخاب کردم و دو سال اول عموما کپی آثار دیگران را سفارش می گرفتیم چون اون موقع هنوز زیراکس رنگی باب نشده بود ولی در سال چهارم برای ذرع و نیم، قالیچه و فرش ۱۲ متری طراحی را سفارش گرفتم و نسبتا درآمد مکفی عاید می شد که با پذیرش در دانشگاه مجبور به مهاجرت به تهران شدم ولی باز به طراحی و سفارش آن به صورت مستمر ادامه دادم.

۸- آیا اساتیدی خارج از دانشگاه هم در حوزه طراحی روی شما تاثیر گذار بودند؟

- من در طراحی قالی استاد مستقیم هیچ وقت نداشتم.

در هنرستان میرک تبریز استاد عزیز و بزرگواریمان " عمرش با برکت باد" استاد علی کوهپایه حقی، به ما

درس تذهیب و نقاشی ایرانی تعلیم دادند. بیشترین وقت ما صرف کلاس های عملی بود و بسیار جدی و رقابتی این کار را انجام می دادیم و سال چهارم بودیم که در بینال نگارگری تهران موزه هنرهای معاصر شرکت داشتیم و کارهایمان پذیرفته شده بودند و با دوستان تهرانی و کرجی و اصفهانی و مشهدی به رقابت می پرداختیم. کلا ۵ نفر هنرجو در یک کلاس بودیم و اولین دوره این رشته نیز ما بودیم. عرض کردم که من بیرون از هنرستان طراحی قالی را خودم پیش می بردم. من در ساعات بیکاری، عموما در بازار تبریز در تیمچه مظفریه پرسه می زدم. فرشها را می دیدم و روی رنگ و طرح آنها متمرکز می شدم. معمولا هفته ای یکبار به بازار فرش سری می زدم بالطبع از همه آنها کم و بیش برای کارهای خودم ایده ای می گرفتم. درست است که من استاد مستقیم فرش نداشتم ولی معتقدم در بستری رشد کردم که تمامی استادان پیشین در فراهم آمدن آن بستر سهیم هستند. استادانی چون عبدالله باقری، استاد خیابانی، استاد عیسی خان بهادری، استاد احمد ارچنگ و استادان قدیم که نامی از آنها نیست ولی آثارشان جاودانه هستند. طراحان قالی شیخ صفی الدین اردبیلی، قالی چلسی، قالی شکارگاه میلان، قالی پولدی پنزولی، قالی های گرفت و گیر صفوی، قالی های نیمه گردان ترکمانی و قالی های که شاهکارهای موزه های بزرگ جهانند. درست است که من استاد طراحی قالی نداشتم ولی مدیون متن و پیرا متن قالی ایرانی هستم. قالی



هایی که از طرف خلاق ترین هنرمندان تاریخ ایران بازنمایی شده اند. کمال الدین بهزاد، سلطان محمد نقاش، آقا میرک و مظفر علی و شیخی و درویش محمد که زیباترین و نفیس ترین قالی ها را طراحی کرده و سامان دادند.

۹- به نظر شما بیشترین اثرگذاری یک فرش در چیست؟

- فرش قسمت مهمی از فرهنگ خانوادگی، زیبایی شناختی و اقتصادی ما را شکل می دهد. خانه هایی که عاری از فرش هستند عموماً سرد و غریبه هستند. شما خانه های ما را با خانه های اسکاندیناوی مقایسه کنید و یا فضای داخلی مساجد ایران و ترکیه را با کلیساهای غربی. فرش با خودش صمیمیت می آورد. هم مواد و خامه موجود در فرش به صورت طبیعی ما را تحت تاثیر می گذارد، هم نقوش بهشت آسای برخی قالی ها که حاوی معانی سمبولیک هستند مخاطب را با





درجاتی از سواد و دانش بصری تحت تاثیر قرار می دهد. از لحاظ تاریخی تاثیری که فرش در زندگی ما ایرانی ها تا به امروز داشته، هیچ یک از مظاهر مدنی و هنری نتوانسته باقی بگذارد. متاسفانه معماری بومی و محلی ما شدیداً فروریخت. قاطبه صنایع دستی ما به ضعف گرائید. لباس های محلی فقط در مراسم خاص آن هم در اقوام خاص توانست به حیات خود ادامه بدهد. تنها فرش است که آخرین مقاومت خودش را در مقابل زندگی مدرنیزاسیون نشان می دهد و این نیز گواه این واقعیت است که تاثیر فرش در زندگی انسان ایرانی چقدر ریشه دار و عمیق بوده است.

۱۰- در خلوت خودتان طراحی های کدام ناحیه فرش

ایران را دوست دارید؟

- من کلا عاشق همه جور فرش با کیفیت هستم. ولی در خلوت خودم بیشتر قالی های زمینه آبی اقیانوسی کهنه هریس را دوست دارم. جاجیم های شاهسون را خیلی دوست دارم. گلیم های سنه قدیم را دوست دارم. کلا از فرش های روستایی و تخت باف های ایلپاتی خیلی خوشم می آید.



قالی های روستایی بی تکلف اند. جاجیم های عشایری از نظام هندسی بدوی برخوردارند و از رنگهای متین و محکم بهره برده اند. هر چه فرش به طرف شهری بودن سوق پیدا می کند به همان نسب از نظام پیچیده مدنی برخوردار می شود. خلوص و زیبایی نابشان مورد تردید واقع می شود. مخصوصاً در حوزه صنایع دستی چنین رخدادی حائز اهمیت است. هنرمندان بیشتر به فکر کارفرما هستند تا به طبع لطیف خود توجهی کرده باشند. طراح یا هنرمند در قید و بند عرضه و تقاضا گیر می کند و بیشتر ذوق و استعداد خودش را کم فروغ به نمایش می گذارد. در حالی که بانوی بافنده روستا یا عشیره در دامان ییلاق های سرسبز زاگرس و البرز و کوهستان های آذربایجان به تنها چیزی فکر نمی کرد تقاضا بوده است. هر چند در قالی های هریس ارسباران، درخش، قهستان، ساروق، استان مرکزی و سنه کردستان و بیجار نگاه شهری و خلوص روستایی با یک زیرکی و فراست خاصی مخاطب خود را مسحور می کند. در کل لهجه ها و گویش ها را در فرش دوست دارم و معتقدم غنای فرش ایران به این تنوع بستگی دارد.

۱۱- به نظر شما با این وضعیت صادرات و گرانی، رشته فرش هنوز دانش آموختگانی خواهد داشت که عاشقانه بدنبال یادگیری طراحی و یا بافت باشند؟

اگر به صورت نمایه ای ارزیابی کنیم. یک بخشی در دو دهه اخیر بنام مرکز ملی فرش ایجاد شد که هیچ نقشی در مدیریت فرش به معنای خاص نداشت جز سالی یک المپیاد فرش که اصلاً متولی اش باید جای دیگر باشد، برگزار کند کار خاصی نکرده که خود نتیجه آن المپیاد هم ارزیابی نشده به چه دستاوردی رسیده که تاثیر گذار باشد. اینکه روسای مرکز ملی فرش از جنس فرش بودند یا نبودند خود جای بحث دارد ولی مسئله اینکه برنامه ای مدون و محکم باید داشته باشند که نداشتند. و یک اداره بی هدف و بی ثمر بخشی از



تبریز چیست آیا شما هم جز کسانی
هستید که تصور می کنید فرش تبریز
بهترین است؟

- تولید فرش از حالت متمرکز خارج
شد و به تجربه فردی و خانوادگی
تبدیل شد. سیستم قوی نظارت هم
در بخش تهیه نقشه و موارد و مصالح
مرغوب و هم در بخش بافت به

بودجه مملکت را به خود اختصاص
داده است. هر چند در بین کارکنان
این مرکز متخصصان و مشاوران خوبی
هم حضور دارند و یا داشتند که با نبود
برنامه عملا کاری نمی شود پیش برد.



۱۲- آیا روشهای آموزشی
دانشگاهها در ارتباط با رشته
فرش خوب پیش
می رود و مورد قبول شما می
باشد؟

- مراکز آموزشی هم در
سطح دانشگاه هم در سطح
هنرستانها به غیر از چندین
مرکز عموما صلاحیت برگزاری
این رشته ها را نداشتند. استاد
کافی و امکانات کافی و حتی
شرایط شهری برای آن رشته
را نداشتند. این باعث شد بازار
فرش نیز نگاه بسیار بدبینانه
ای به این مجموعه ها داشته
باشند. هر چند به صورت
موردی دانشجویان کارآفرین
و موفق نیز از برخی دانشگاه
ها و مراکز بیرون آمدند و در
جاهای مختلف به امر فرش
می پردازند، ولی شرایط
کلی قابل قبول نبوده است.

۱۳- آیا تولیدکنندگان و
سفارش دهندگان اهمیت کار
شما را درک می کنند؟ و اگر
احیانا تغییراتی را در طرح
شما خواستار هستند مبنای
اصولی دارد و اگر انجام دهید
خداشاه ای در ذهنیت شما
برای آن طرح بوجود می آورد
؟ نظر شما راجع به فرش

حداقل رسید. عملا تولید فرش حالت
گیاه خود رو را پیدا کرد که سامان
خاصی برایش نمی شود متصور شد.
در این برهه کارهای نامرغوب زیاد

تولید شد. نظم خاصی وجود نداشت و نقشه‌ها در مناطق مختلف جابجا شدند و به هویت نقشه‌ها و اصالت قالی‌ها خدشه وارد شد. در کاشمر طرح تبریز زدند و در اردکان نقشه کاشان و در زنجان نقشه قم و ... خود این باعث نابهنجاری فرش ایران شد. هم به اصالت فرش اصلی ضربه وارد شد چون فرش بدل در شهر دوم به پای

فرش اول نمی‌رسید و هم فرشهای بومی شهری که در شهرهای اصلی خودشان بافته می‌شد بدلیل هزینه‌های گرانتر بافته، از بین می‌رفت. نبود سیاست کلان در تولید فرش باعث از هم گسیختگی تولید فرش گردید که در این میان عده‌ای نیز سوق پیدا کردند به طرف تابلو بافی که خود جای بحث دارد. مشکل دیگر، طراحان قالی بودند. طراحان جدید جای طراحان بزرگی که فرشهای درباری را طراحی کردند نتوانستند پر کنند. دوره درخشان طراحی فرش شهری ما اواخر ترکمانی و تیموری و دوره صفوی است. مشخص است طراحان زبده به طراحی گمارده می‌شدند. تا ۵۰ سال پیش افرادی در اصفهان، مشهد و تبریز و کرمان توانستند تا حدودی کج دار و مریز مشعل فروزان فرش را روشن نگه دارند ولی هر چه متاخرتر می‌شود کیفیت طرح و تعداد طراحان بزرگ کمتر و کمتر می‌شود. مثلاً به جرات می‌توان امروز دو شخصیت قابل طراح در اصفهان و دو شخص در تبریز را یافت که از جنس فرش باشند، خودشان درگیر فرش باشند و فرش‌هایشان در ابعاد مختلف تولید شده باشد. من با کمال تواضع به همه آنهایی که دستی بر قلم دارند احترام می‌گذارم ولی چند در صد این دوستان فرش‌هایشان بافته شده است و موفق بوده است!



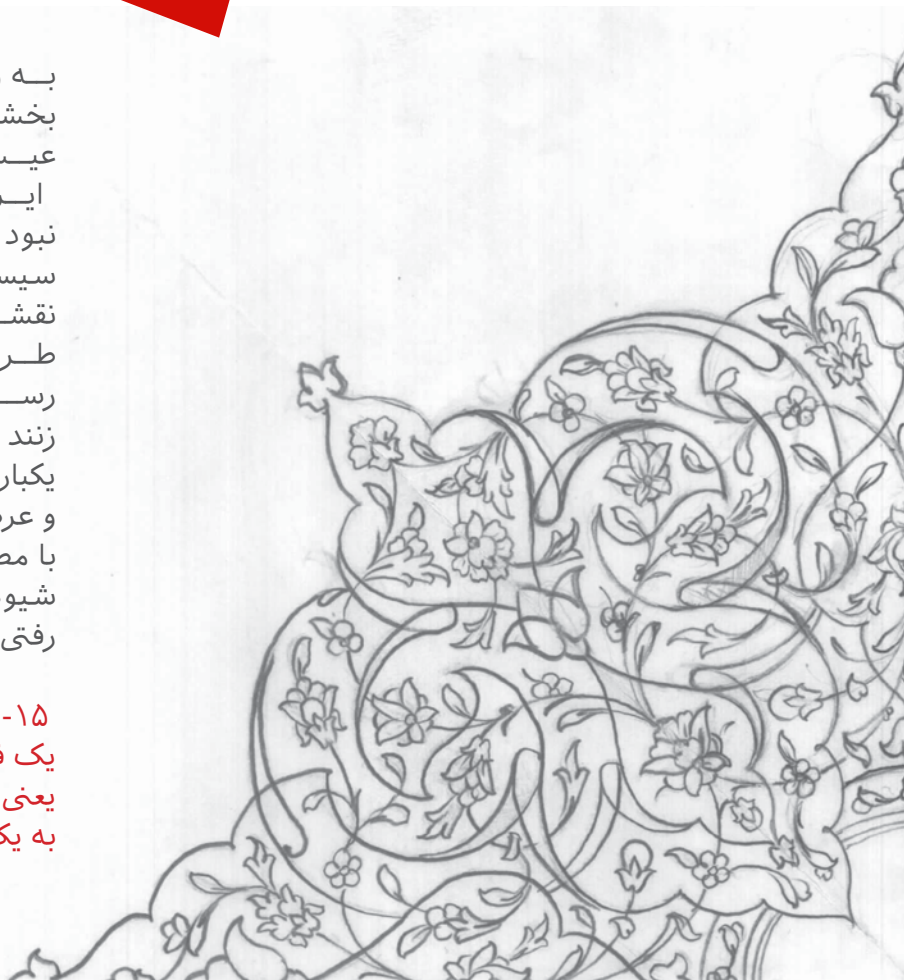


۱۴- شاید بعضی از طراحان هنوز فکر می کنند که اگر کارهایشان را به نسل جوان بیاموزند مشتریان را از دست می دهند نظر شما در مورد این افراد چیست؟

- بازار فرش قدرت ریسک پذیری اش پایین آمده به طراحان جوان میدان نمی دهند و چه بسا حق دارند چون سودی در فرش نمانده که ریسکی هم بپذیرند. از طرفی طراحان قدیم نیروهای جدیدی پرورش ندادند. و فوت و فن خودشان را چون اکسیر با خود به همراه بردند. و هنوز که هنوز است برخی با آن تفکر زندگی می کنند. بخشندگی در بین طراحان بزرگ به حداقل رسیده است. اگر در اصفهان جنبشی رخ داد متعلق به هنرستان هنرهای تجسمی و بزرگ مردی چون عیسی خان بهادری است که این تحول عظیم را در فرش معاصر اصفهان

به وجود آورد. ما چند شخصیت بخشنده، متخصص و مدبری چون عیسی خان بهادری را در کل فرش ایران معاصر داشتیم و داریم؟ نبود چنین افراد بزرگ همت و نبود سیستم بازآفرینی، موجب تحلیل نقشه فرش ایران شد. تنوع نقشه و طرح در فرش ایران به حداقل می رسد همه دور لچک ترنج پرسه می زنند این یعنی فقر طرح و طراحی... یکبار دیگر باید سیستم تولید طراحی و عرضه فرش را از نوع تعریف کرد با مطالعه شیوه های نوین جهانی و شیوه های ارزشمند سنتی. بلکه برون رفتی از این مخمصه پیدا کرده باشیم.

۱۵- بنظر شما آیا برند شدن در طرح یک فرش مورد توجه و خاص است یعنی یک طراحی و نقشه آیا منحصر به یک فرد باشد اثری در زیبایی فرش



دارد و آنرا منحصر به فرد می کند؟

- یک بحثی در برندینگ و طراحی فرش هست که برای ما جالب است. بعضی از هنرمندان ما هستند که کارهاشون رو به راحتی در اختیار دیگران نمی گذارند. چیزهایی یاد گرفتن زحمت کشیدن و یک عمر تلاش کردن مثلا در طراحی فرم های یک موتیف، احیانا یک ترکیب بندی هایی را برای خودشان پیدا کردند و دوست ندارند کسی از اونها عکس بگیره و اگر بخواهند کاری یاد بدهند شهریه بالایی میخوانند. یا مثلا در زمینه بافت، تکنیکی یاد گرفتند مثل بافت قالی، گلیم، سوماکي و... فکر میکنند که بهرحال این حق اوناست در پیش خودشون که این رو محفوظ بدارند. البته دلایلی دارند که قابل درک هست معتقدند یک عمر زحمت کشیدیم اینارو یاد گرفتیم چرا به راحتی در اختیار دیگران بگذاریم که حق و حقوق و اجرت مارو نمیدهند و ما اگر دراین زمینه به نون و آبی نرسیدیم چرا باید مفت و مجانی در اختیار دیگران بگذاریم این قسمت بحث رو من درک میکنم حرف درستی است در جامعه هنرمندانی هستند که یک عمر زحمت کشیدن و متاسفانه حاصل کارشون برای اونها رفاهی به بار نیاورده و مشکلات معیشتی بسیاری هم دارند. این مسئولیتی است که جامعه چه هنری چه تجاری فرش باید فکری



میکرده و نکرده اما از یک طرف هم خود هنرمندان باید یک فکری میکردن برای خودشون و فراتر از این چون از همون اول به قضیه خیلی انحصاری نگاه کردن نتونستن کارشون رو ارائه بدن همیشه مواظب بودن این کار دیده نشه ممکنه دزدیده بشه ، خب وقتی کاری دیده نشه سفارش هم نمتیونی بگیری یک مناسبات بسیار باریک و لطیفی بین این عرضه و تقاضا هست . در هنر مخصوصا هنر فرش اگه این اتفاقات رخ نده کار طرف دیده نمیشه مثلا من میشناسم کسانی رو که نمایشگاه میدارن و میگن که نباید عکس بگیری از بابت حق و حقوق تالیف کارشون درسته اما از دیدگاه تجاری کارشون درست نیست کار باید عرضه بشه مخصوصا در دنیای امروز که از لحاظ نشانه شناسی بمباران تصویر هست و اگر شما تصویر درست و مناسبی عرضه نکنی زیر این بمباران تصویر دفن خواهید شد و دیده نخواهید شد و این هم یک مشکلی است یعنی میخواهم بگم که بایستی مواظب باشین کجا کارمون رو ارائه بدیم و کجا ارائه ندهیم. یک معضل دیگه ای که تو فرش هست با کمال احترامی که من برای



هنرمندان عزیز که واقعا زحمت کشیدن قائلم بعضا حس میکنم که بلکه نبود اطلاعات جامع ما را به اون سمت سوق داد که میخواهم عرض کنم خدمتون، اونم اینکه طراحی، یا تولید کننده ای یک کار به زعم خودشون نویی انجام دادند که فکر میکنند که بسیار کار مهمی انجام دادن و خیلی دست بالا میگیرن واقعا اینطور نیست مثلا طرف یک ترکیب گل شاه عباسی میزنه فکر میکنه خیلی کار شاقی انجام داده و یا در تکنیک بافت هم همینطور نه اینجورا نیست من خیلی صریح عرض میکنم و فکر میکنن اینو یاد بدن دیگه دنیا عوض میشه و گل و بلبل میشه و اینها فکر میکنن محروم میشن از اون داشته هایی که داشتند یعنی به ارزان در اختیار دیگران قرار دادند. اولاً بپذیریم که اوج قالیبافی ما هم از لحاظ تکنیک هم از لحاظ رنگ و طرح و اینها دوره ی صفویه است. فرش های مثل چلسی و شکارگاه و شیخ صفی الدین اردبیلی، فرش اردبیل و فرش های بسیاری که ما داریم که در دوره صفویه حالا یک ذره قبل دوره ترک ها و یک کمی بعد از صفویه دوره قاجار، همه این دوره ها فرش های بسیار قوی هستند و ما هنوز به پای اونها نرسیدیم تعارف نداریم ممکنه حال و هواش یک ذره عوض شده باشه اونا تو اوج

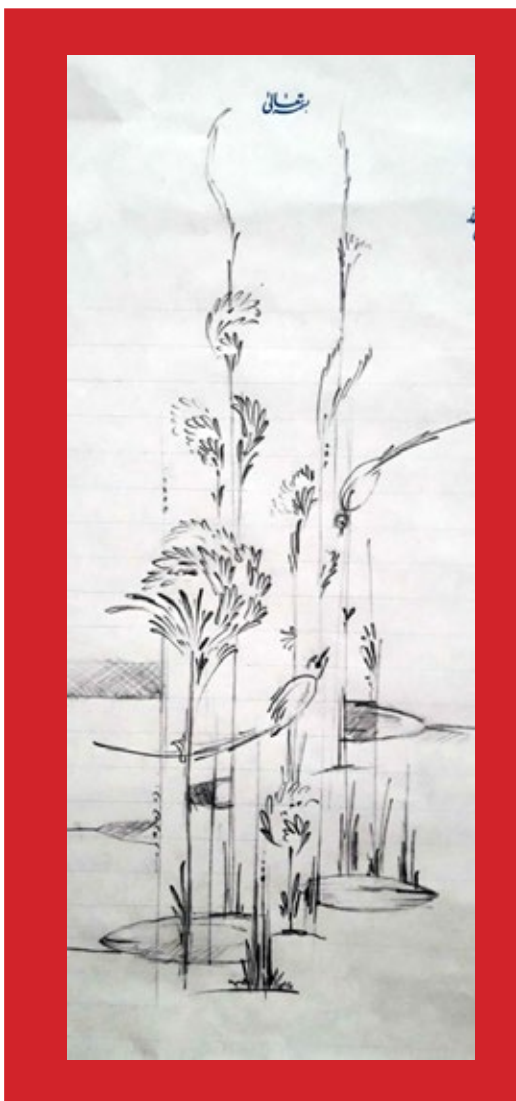
هستند هر کسی هم بخواد حرفی بزنه در این مورد من حاضرم مجادله و مباحثه کنم ما از اون افقی که داشتیم



خیلی دور افتادیم . اگر سلطان محمد نقاش فرش شیخ صفی، فرش میلان ، فرش چلسی یا کمال الدین بهزاد یا هر نقاشی که در دوره صفویه بوده، نقاشان دوره پولونز این کارهارو ارائه نمیدادن ما به چه روزی می افتادیم و الان چی داشتیم برای گفتن و چه وضعی داشتیم .

۱۶- به نظر شما چه کار باید کرد؟

- متوجه باشیم که گشاده دستی یکی از راه های گشایش فرش ایران است فرش ایران از تاجرش تا طراحش ، بافنده اش ، رنگرزش باید گشاده دست باشند و از یک طرف هم کار غیر قابل تصویری انجام نمیدن کاری که هزاران سال اجداد ما انجام دادن رو ما داریم ادامه میدیم با یک کمی تغییر اگه تازه بتونیم به زعم خودمون انجام بدیم وگرنه که ما کاری انجام ندادیم خیلی خودمونو دست بالا نگیریم ، خطرناکه ، من تعارف نمیکنم ما نه قالی هایی به زیبایی فرش های صفویه الان میتونیم ارائه بدیم البته استثناعات رو من کار ندارم استثناعات بر قاعده



حاکم نیست. نه به اون حجم از بزرگی کار میتونیم ارائه بدهیم. یک اسلیمی میکشیم تزیینات داخلشو تغییر میدهیم و می گوئیم این اسلیمی مال منه. اینم که همچین چیزی نیست اگر هم کار شما باشد دلیل بر این نیست که شما این رو برای دیگران ارائه دادید کی گفته نباید از کارها عکس بگیرید؟ کی گفته باید تکنیک من رو کسی ندونه؟ این تکنیک رو از کجا آوردی؟! بله زحمت کشیدی ولی به هر حال تو هم از دیگران ریز ریز یاد گرفتی ماهم که از صفر خودمون همه چیز رو خلق نمی کنیم. حتما یک پیش زمینه ای هست، یک پیش متنی هست

که با کمک اونها ما این کار رو ارائه دادیم و فکر میکنیم کار خودمونه نه کار خودمون نیست. اگر من نوعی اسلیمی میکشم یا یک شاه عباسی متفاوتی است که همون شاه عباسی است که یک کار متفاوتی روش انجام دادم که کار

خیلی مهمی هم روش انجام ندادم. تازمانی که ما گشاده دست نباشیم باز عرض می کنم گشایشی در فرش رخ نخواهد داد تا زمانی که ما سخاوت و کرامت نداشته باشیم در ارائه کار موفق نخواهیم شد این واژه برند برند رو باید از زبونمون بندازیم دور مایک برند داریم آن هم برند فرش ایرانیه و تمام بگیریم این قلم فلان نقاشه باشیم می پذیرم و احترام هم قائلم. مگه فرش تبریز با فرش اصفهان



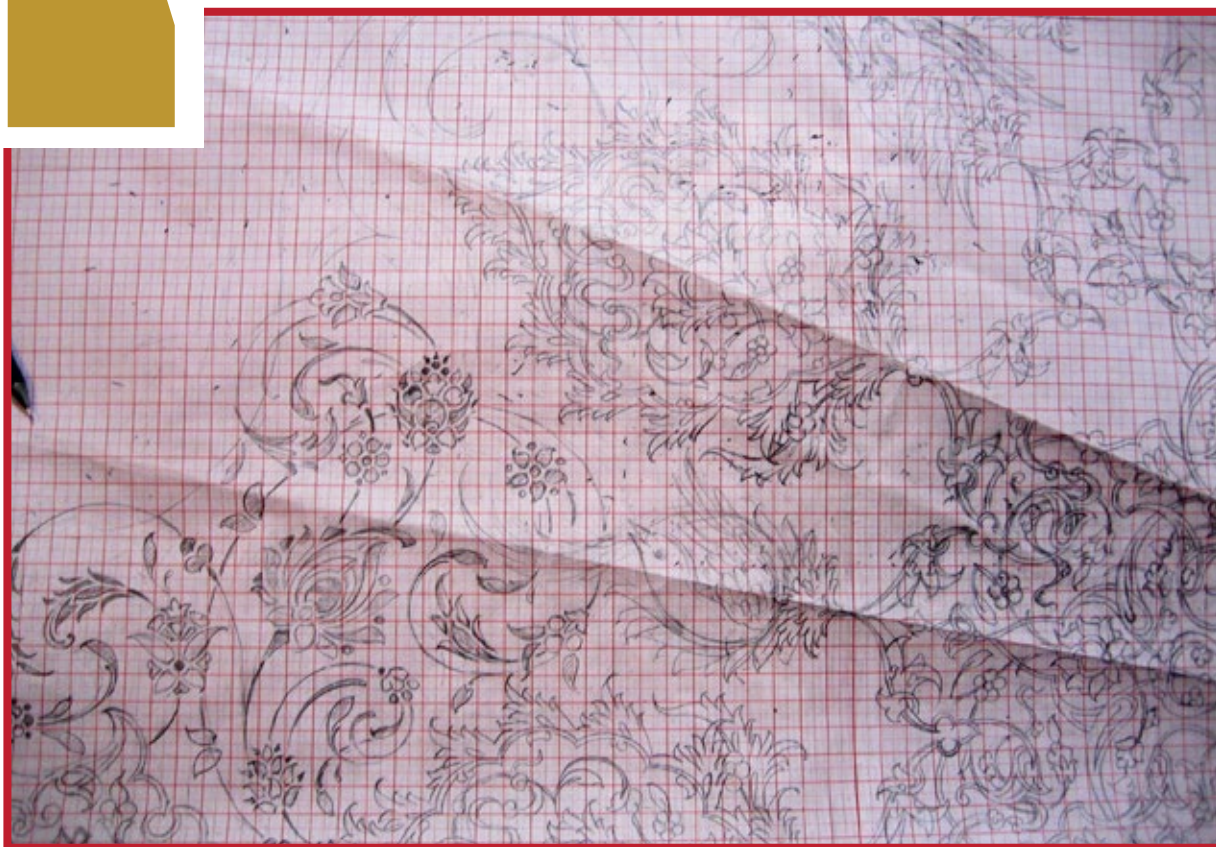


با فرش مشهد چه فرقی باهم دارند زیر مجموعه یک برندینگ هستند برند فرش ایران با سبک مختلف اما هر کدام از آنها یک اسلوبی داره ، فرش کرمان یک اسلوبی داره، فرش تبریز یک اسلوبی داره ،ولی باور کنید همشون زیر مجموعه یک برند هستندو اتفاق خاصی هم نیفتاده یکی گل هارو ریز کرده یکی درشت کرده ، یکی گلهای شاه عباسی رو خیلی تو هم فرو کرده و پرپشت کرده شده فرش مشهد یکی دور از هم کشیده خلوت کشیده شده فرش تبریز و باز اینهارو که میگم به این معنی نیست که خدایی نکرده ارزش اینها رو بخوایم پایین بیارم ارزش اینها فراتر از اونی که فکر میکنید نیست .خیلی هم بزرگنمایی نکنیم فکر نکنیم مثلا ما اینارو به دیگران تحویل بدهیم دیگران مولتی میلیاردر میشن من فقیر می مونم . اگر یک جایی فرقی رخ داده اون دلایل دیگه ای داره یکی هم این است که ترسو هستیم از ارائه کارهای جدید خودمون تا زمانی که این ترس رو داریم ما فقیر هم خواهیم ماند این البته یک عامله ، عامل دیگه ای هست که میشه روش بحث کرد که چرا هنرمندان ما به مشکل معیشتی برخوردند ، یک عاملش همون تجارت هست که تجارت فرش هم به مشکل برخورد . اگر تجارت باشه هنرمند درجه پنجم تا حد خودش مشتری داره هنرمند درجه یک هم خواهد داشت ولی اگه هنرمند درجه یک کارشو ادامه نده از ترس اینکه کسی کارهاش رو ببینه و ممکنه بدزدن که چی؟ بدزدن . ندزدن هم واسه تو در زندگی اتفاقی رخ نخواهد داد.

۱۷- جملات آخر، هر چه که فکر می کنید برای طراحی فرش ودغدغه خود از این هنر را بفرمائید.

مشکلات پیش روی فرش بسیار زیادند. می شود فرش را از لحاظ تاریخی و اجتماعی و فرهنگ مصرف، مورد بررسی قرار داد. متولیان فرش نیز جای بحث دارد آنانی که در تولید و عرضه فرش نقش دارند و آنانی که مدیریت فرش را بر عهده گرفتند و کسانی که متولی آموزش و ترویج فرش هستند. یکایک این بخش ها نقشی انکار ناپذیر در زمینه فرش دارند قبل از پرداختن به جزء جزء این بخشها بستر زمانی را باید مد نظر داشته باشیم. اینکه ما در قرن ۱۹ میلادی یا در زمان سیمصد یا چهارصد سال پیش زندگی نمی کنیم. تاریخ و ملزومات تاریخی تولیدات

و ایده های ما تاثیر می گذارد. نوع زندگی بشر از عصر قدیم روشنگری در سرتاسر جهان عوض شده. نگاه بشر به صنایع دستی با جایگزینی تولیدات صنعتی تغییر کرد. تمام دست ساخته های انسان که حاصل تجربه صدها بلکه هزاران و سال بود با پدیده دیگری جایگزین گردید که به سرعت در حال تکثیر و بازتولیدپذیر بود. در عصر بازتولیدپذیری مدرن بیشترین ضربه را آثار صنایع دستی خورد هر چند فرش توانست تا حدی جایگاه خودش را حفظ کند که آن هم دلایلی دارد که مجالی باشد اشاره خواهیم کرد. در چنین شرایطی ناگزیر فرش نیز سهم خود را از این آسیب کلان گرفت اما مهمترین چیزی که در این بین رخ داد



فرهنگ بومی ما بود که جدا از موج بزرگ جهانی، در مدیریت فرش هم به صورت بخشی و هم به صورت کلی توان اداره این مجموعه بسیار پیچیده را نداشت.

پایان



متأسفانه در حین انتشار مجله و بعد از مصاحبه با جناب آقای میرزایی باخبر شدیم ایشان در غم از دست دادن برادر بزرگوارشان به سوگ نشسته اند. تحریریه مجله "کارپت پلاس" مصیبت وارده را به ایشان و خانواده گرامیشان تسلیت عرض می نماید.

- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک)
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک





نقش شیر در قالیچه های عشایری

قالیچه های شیری بیان کننده احساسات مردم عشایر است

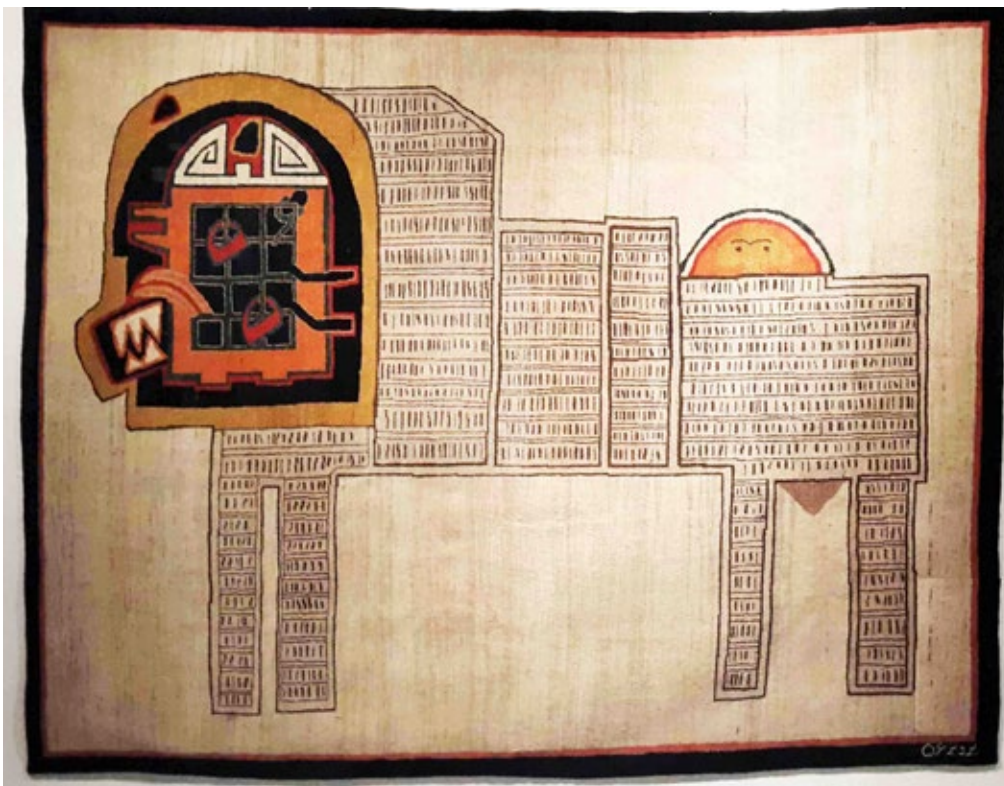
قالیچه ها با بیانی دلنشین و گویا، افسانه ها و حماسه های آن

مردم را بیان می کند که یکی از غنی ترین آثار تاریخی ایران به شمار می آید.

هنر عشایر همواره تفکر برانگیز بوده و هر چه عشایر ارائه می کنند در یک کلمه " هنر ناب" است چرا که بدون هیچ تکلفی و به ساده ترین زبان آن را بیان می کنند. زندگی ساده عشایری باعث شده که هر چه در طبیعت می دیدند همان را بصورت نقاشی در ذهن خود مجسم می کنند و بر صنایع دستی خود نقش می زنند. از

واژه ایل یک کلمه ترکی، مغولی است که پیشینه هزار ساله دارد و معانی مختلفی از آن دریافت می شود. از جمله " صلح و دوستی، مطیع، دوست و یار و مردم " گفته می شود. و قبیله نیز به گروهی پدر از یک نیای مشترک که اعضای آن خود را در اقتصاد ایل نقش اساسی را دارند. قالیبافی، بخشی از دامداری و کوچ و جمع آوری گیاهان خوراکی و دامی و حتی درمانی بعد از آنها می باشد. زنان در پشم ریزی، نخ تابنی، رنگرزی و بافت انواع گلیم و جاجیم و گبه و تکه های سیاه چادر و اسباب و اثاثیه گلیم باف و پوشاک های بافتنی، دوخت و دوز و ساخت اسباب و ابزار پوستی مانند مشک و کیسه

جمله نقوشی که عشایر از گذشته تا حال بر روی بافته های خویش نقش می زنند نقش شیر است که در طول تاریخ بی وقفه بر روی دستبافهای عشایر می بینیم. نام شیر معنی خاصی را در ذهن همگی ایجاد می کند و هر کسی دریافتی از آن دارد که ممکن است در بعضی مواقع این دریافتهای معنی یکسانی داشته باشد. " قدرت"، سلطنت و عظمت از این قبیل دریافتهای از شیر می باشد. اما چرا افراد یک قبیله که از ایلات مختلف بودند همگی از یک نقش خاص استفاده می کردند. جماعت ایل که سازمان آن بصورت اجتماعی و قبیله ای است و بصورت کوچ نشینی زندگی می کنند و شیوه زندگی آنها بر پایه دامداری است و کلا یک واحد مستقل اجتماعی می باشد.





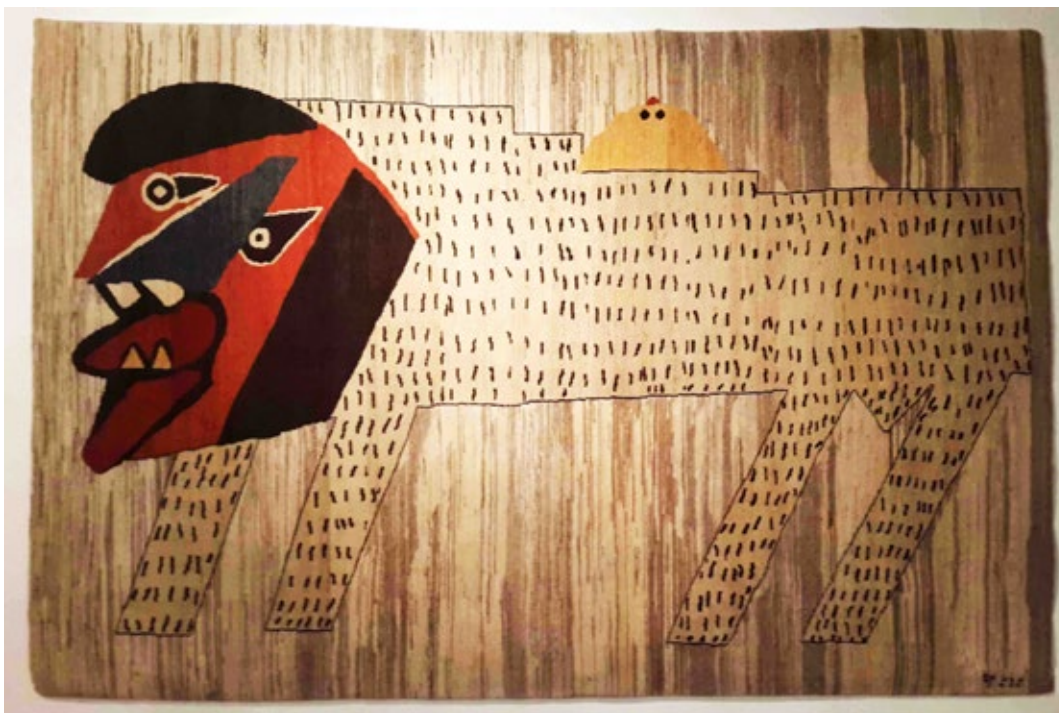
چرمین مهارت فوق العاده ای دارند. دخترکان کوچک همراه با زنان در رشته کردن پشمها کمک می کنند و به هنگام ریسیدن شعر می خوانند: دستوم چو دست شیر باد، ای شیر بیا کمک دستوم، کمک رسان ندارم، ای شیر بیا کمک دستوم و به اینصورت شعر می خوانند و نخ می ریسند تا برای بافت قالی های پر نقش و نگار از آن استفاده کنند. هنرمندان ایل هنگام بافت نقوش را در ذهن طرح و خلق می کنند و می بافند و حتی این هنرمندان خود نمی دانند که هنرمند هستند.



بین تمامی حیوانات و اشیایی که در بافته ها دیده می شود با مردم یک روابط عاطفی برقرار است . نقش و نگارهای ایل قشقایی از عوامل اعتبار ایل بخصوص ایل قشقایی می باشد. آنها سالهای سال روی این نقشها کار کرده اند و از نیاکان خود به یادگار گرفته اند. نشانه های طبیعی زیادی در بین نقش و نگاره ها دیده می شود و هر کدام مظهر چیزی در بین ایل می باشد . بطور مثال : درنا نشانه درازی عمر، ققنوس علامت جاودانگی



، آهو نشانه خوشبختی ، شانه نشانه پاکی و پاکیزگی و شیر مظهر قدرت و نشانه نگهبان و محافظ پرستشگاه است . اشکال و رنگها به جهت قابلیت های آشکار و ماندگاری معنی و مفهوم عمیقی دارد. تمامی ای اشکال مفهومی فراتر از یک موتیف را دارند چون این نقشها بعدها همنشینین جاودانی برای آنها می باشد و همنشینین دائم باید بهترین طرح ها و پر معناترین نقش مایه ها و زیبا ترین رنگها را داشته باشد. طرح های بکار رفته باید مناسب مکان و به اندازه جایی که می خواهند از آن



حتی در این قالیچه ها بدست دختران ایل برای جهیزیه خودشان بافته می شده . عشایر مردمانی هستند که نیاز خود را خودشان برطرف می کنند و تا چندین سال پیش هیچگاه احتیاج به شهر نداشتند اما با توجه به گسترش تمدن و آموزش ، عشایر برای فرزندانشان بیشتر در شهرها رفت و آمد دارند اما تمامی نقوش بکار رفته در دستبافت هایشان از ذوق و سلیقه شخصی بافنده می باشد.

می گویند قالیچه های شیری دستبافته زن عشایر است. دست های ظریف ولی گاهی چنان قوی که کوه را هم می تواند جابه جا کند. در نمایشگاه قالیچه های شیری گالری پاسارگاد تصویر او در ذهنم نقش می بندد، تصویر دختر عشایر که بالای کوه ایستاده با پیراهن بلند پرچین و

استفاده کنند باشد. قدمت دستبافته ها عشایری به تاریخ ایل و قوم هر ایل و قبیله بر می گردد.

ایلیاتی ها به شکار بسیار علاقمند هستند شکار بزرگترین علامت شجاعت و دلآوری است شکار قوچ ، پلنگ ، خرس و حتی شیر در میان ایل به رقابت کشیده می شود و بیشتر خان های قشقایی و ایلات بختیاری علاقه بسیار زیادی به شکار شیر داشته اند. تاثیر پذیری نقش شیر به عنوان یک سنبل مهم بر روی قالی ها را می توان وابستگی محیط و افراد بر روی قالی دانست . بافندگان قالی قصد داشتند که به شیوه خاص و کاملاً شخصی احساس خود را نسبت به شخصی که قالی را برایش می بافتند بیان کنند. قالی و قالیچه ها همیشه نقش اقتصادی نداشته و بیشتر جنبه مصرف شخصی داشته و

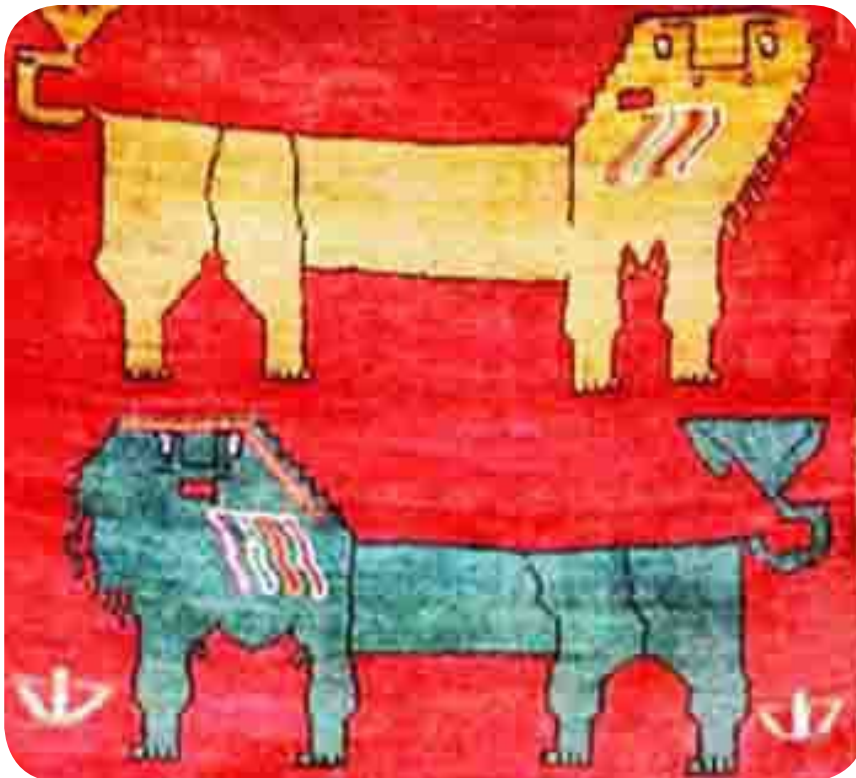
آن مردم را بیان می‌کند که یکی از غنی‌ترین آثار تاریخی ایران به شمار می‌آید. وحید ملک یکی از دارنده‌های کلکسیون فرش شیر در ایران است. او که به گفته فرش شیر دوره جوانی به جمع‌آوری کلکسیون است که هر دو سال یک بار با مجموعه جدیدی به برپایی نمایشگاه قالیچه‌های شیری در ایران و خارج پرداخته. قالیهایی که متعلق به فرهنگ و هویت ایران است. وحید ملک می‌گوید: «در حال حاضر در ایران کمتر کسی از اهمیت قالیچه‌های شیری اطلاع دارد در حالی که این قالیچه‌ها با قدمتی

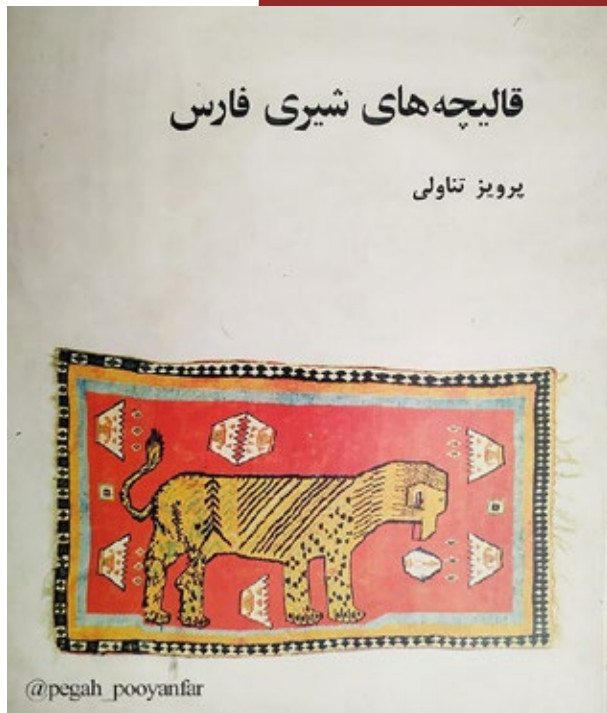
رنگارنگ موهای مشکی و رها که سربندی توری آن را پوشانده، سبزی دشت زیر پایش آبی‌آسمان بالای سرش، بعد چشمه سارها، جنگل‌های بلوط و ارزن. آن دورها از لابه‌لای ابرها چادرهای ایل پیداست. صدای باد و پرندگان به گوش می‌رسد، دختر چشم‌هایش را می‌بندد، نفس عمیقی می‌کشد، بوی شبدر وحشی می‌آید و علف‌های سرراه. وجودش از خنکی مطبوعی لبریز است، دست‌هایش را بالا می‌گیرد، همان دست‌هایی که با آنها رج آخر قالی را بافته، همان دست‌هایی که با آنها شیر دوشیده، چادر برپا کرده، پشم ریسیده، نان پخته و...

او متعلق به آن سرزمین است، به سرزمین عشایر. قالیچه‌های شیری نیز متعلق به اوست.

ریچارد ایتنگها وزن یکی از کارشناسان هنر درباره قالیچه‌های شیری می‌گوید: «قالیچه‌های شیری ایران به نوعی برخاسته از ذهن بی‌خیال و سرکش و خلاق و تعلیم نیافته زن عشایر است که نزدیکی خاصی با آثار نقاشان معاصر دارد».

پرویز تناولی در کتابش «قالیچه‌های شیری فارس» می‌گوید: «قالیچه‌های شیری بیان‌کننده احساسات مردم عشایر است. قالیچه‌ها با بیانی دلنشین و گویا، افسانه‌ها و حماسه‌های



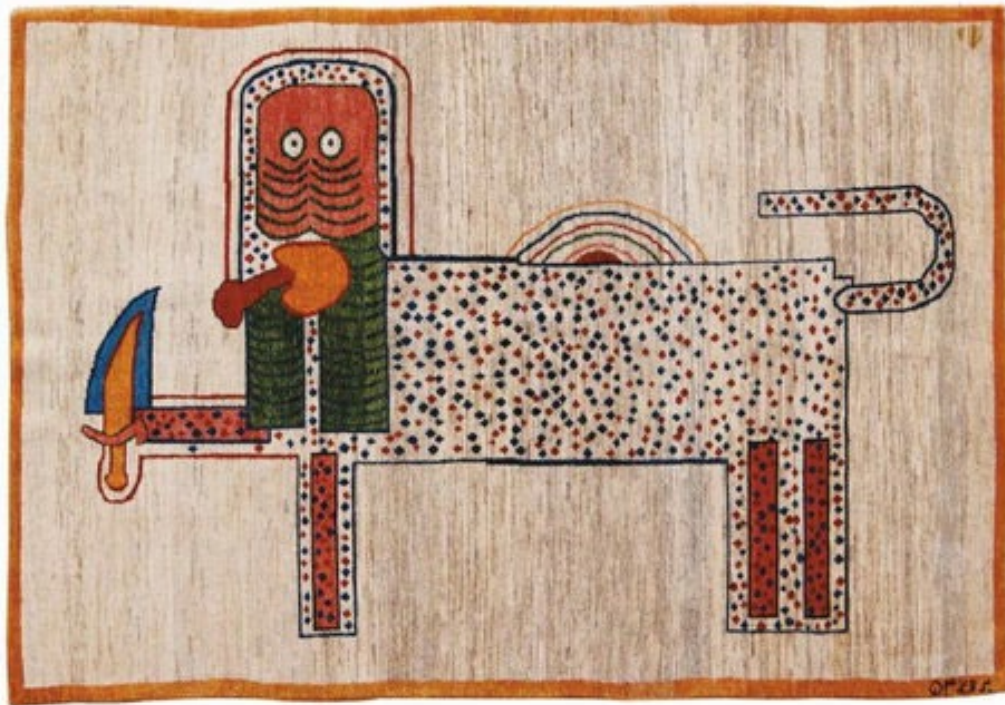


بیش از ۱۰۰ سال از آثار غنی ایران است که نمونه‌های باارزشی از آن در موزه‌های معروف دنیا مانند موزه لوور، نیویورک و... نگهداری می‌شود.

او در ادامه می‌گوید: «نقوش قالیچه‌های شیری دارای کمپوزیسیون خاص و فرم‌های گرافیکی ارزشمندی است که بافنده اکثر آنها دختران عشایر ۹ تا ۱۷ سال هستند، دخترانی که بدون آموزش هنری اثری بدیع خلق کردند. هر خط و خطوط در قالیچه‌های شیری نشان از یک فلسفه و ذهنیت است. به گفته مدیرگالری پاسارگاد قدمت قالیچه‌های شیری به نمایش در آمده در گالری بین ۳۰ تا ۸۰ سال است. در کنار قالیچه‌های شیری بر روی دیوار ۹ تابلو از جنس مس با نقوش برجسته شیر که همه آنها نمادهای مربوط به دوره ساسانیان است به چشم می‌خورد. در گوشه و کنار نمایشگاه نیز آثار حجمی به شکل شیرهای سنگی قرار دارد.

قالیچه‌های شیری و گبه‌های شیری از دستبافته‌های زنان عشایر ایران است که قدمتی دیرینه دارد. شیر در زمان‌های دور در ایران نوعی سمبل بوده. در نقوش تخت جمشید و ظروف نقره ساسانی نمادهایی از شیر دیده می‌شود که سمبل شجاعت و قدرت است. آن زمان برای نشان دادن هیبت و شوکت دلاوران و شاهان از نماد شیر استفاده می‌کردند. در دوره ساسانیان نمادهایی به صورت شیر و خورشید است. در نمادها شیر جلوی خورشید قرار گرفته چون در آیین کهن ایرانیان یعنی آیین

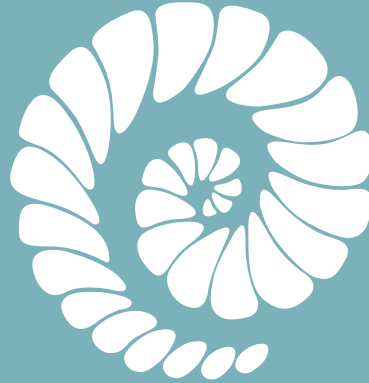




میترا، خورشید نماد مهر و شیر نگهبان خورشید بوده.

در زمان صفویان نیز استفاده از نماد شیر به اوج خود می‌رسد که بی‌ارتباط با عظمت دوره صفویان نیست. بعد از اسلام نیز از نماد شیر استفاده می‌کردند. به عنوان مثال لقب حضرت علی (ع) شیرخدا بود. پرویز تناولی در کتابش *قالیچه‌های شیری فارس* می‌گوید: «شیر در زمان‌های دور مورد علاقه ایرانیان بخصوص مردم فارس بوده، برای همین تصویر شیر به قالیچه‌های شیری راه پیدا می‌کند تا به نوعی همبستگی با گذشته را حفظ کند. وجود قالیچه‌های شیری در چادر عشایر علاوه بر نگهبانی از چادرنشینان، غرور و دلیری صاحب چادر بوده. با اینکه بافندگان قالیچه‌های شیری یعنی زنان عشایر هرگز شیری واقعی ندیدند اما تلفیق زیبایی از شیر با اشکال زندگی روزمره خود به وجود آوردند. رنگ‌های به کار برده شده

در قالیچه‌ها نیز به استثنای معدودی، رنگ‌های طبیعی و گیاهی است. وحید ملک می‌گوید: «حدود ۳۰ سال است که بافتن قالیچه‌های شیری در عشایر منسوخ شده.» به گفته سیروس پرهام یکی از محققین قالیچه‌های شیری در حال حاضر فرش‌های شیری بیشتر توسط صادرکنندگان فرش بافته می‌شود در گوشه و کنار می‌خوانیم که عشایر در حال اسکان دادن هستند. دختر بالای کوه ایستاده با دست‌ها و صورتی چروک خورده انگار زمان نقشی تازه برتن او بافته است. در آخرین رچی که بافته هنوز نشانه‌هایی از قالیچه‌های شیری است. دست‌های دختر سال‌هاست که دیگر قالیچه شیری نبافته آیا باید او را در افسانه‌ها و قصه‌ها جست‌وجو کنیم؟



SEPANJ STUDIO

www.sepanjstudio.com

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثرگذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش‌بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف‌گذاری
- برندسازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت‌سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی



sepanjstudio



sepanjstudio

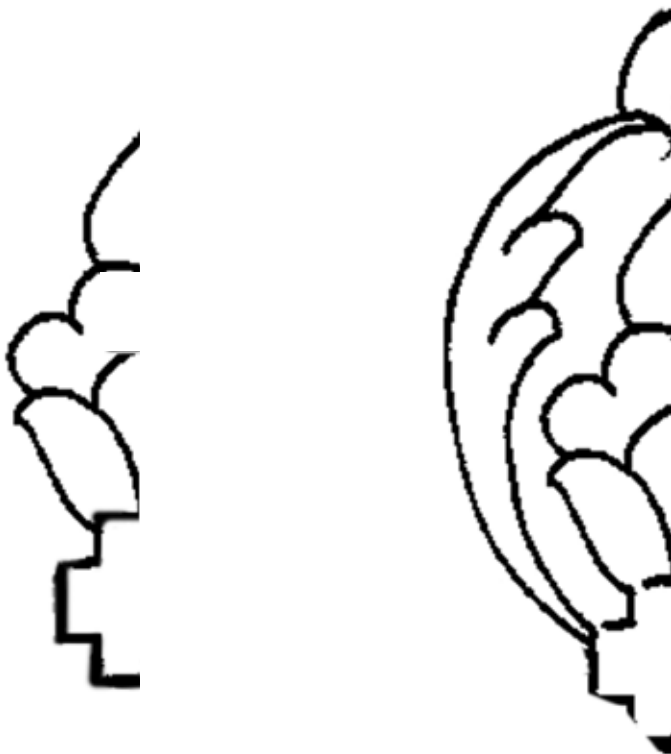
۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱



چگونگی ترسیم یک شاه عباسی (گل اناری)

آموزش طراحی فرش

تا جایی که امکان دارد کلاسهای دوره های آموزش اولیه طراحی را در اینجا برای علاقمندان شروع نموده ام. امید است با کمی تمرین بتوانید شروع به طراحی نمایید. در این آموزش چگونگی رسم را از طریق جهت فلش مشخص نموده ام تا با دنبال کردن آن، جهت طراحی را متوجه شوید. ما در این شماره یک حاشیه را از مراحل اول تا آخر طراحی می نمایم





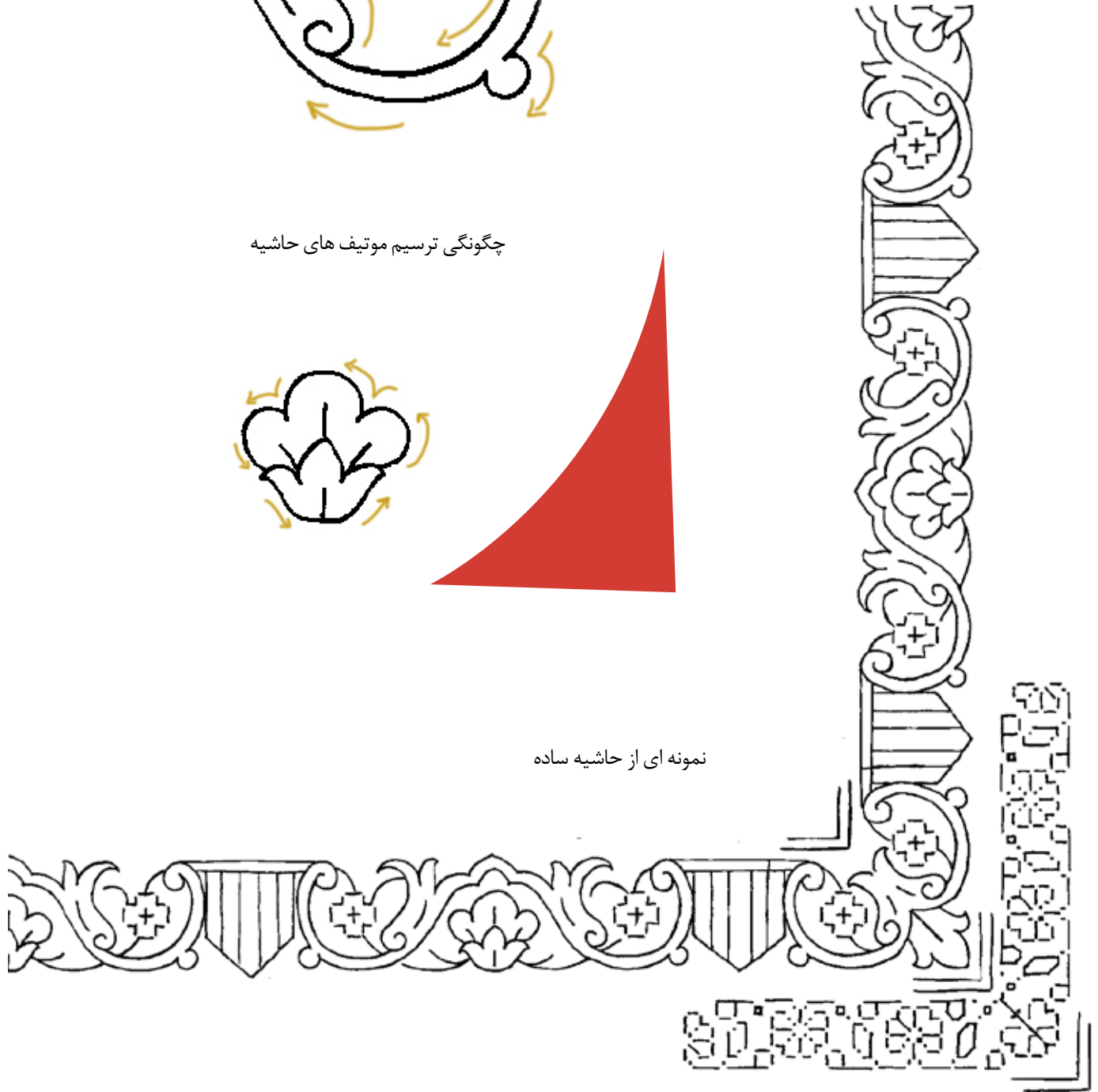




چگونگی ترسیم موتیف های حاشیه



نمونه ای از حاشیه ساده



تبلیغات



"آرتیرانی" هنرِ نفیسِ ایرانی



Persian Handmade

WWW.ARTIRANI.COM

– شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک)
– کراوات های نقاشی شده
– مانتو های باتیک

گرد آوری: مهدیه اکبری پارسا
عکس: محمد محسنی فر

فرش تبریز

متنوع است و در سائزهای . مختلفی بافته می شود.

پس از اینکه تبریز در زمان حکومت صفویان به عنوان پایتختی ایران رسید، دومین مکتب هنری ایران در این شهر بنیان گذاشته شد. این مکتب که از آن با نام مکتب تبریز یاد می شود موجب رشد و رونق هنر در تبریز و سفر بسیاری از هنرمندان به این شهر شد. از جمله زبده ترین و ماهرترین نقاشان و طراحانی که در این دوره ظهور کردند می توان از کمال الدین بهزاد و سلطان محمد نام برد که کمک بسیاری به هنر طراحی فرش تبریز کردند. در زمان صفویه بود که کارگاه های بزرگ قالی بافی در این شهر ایجاد و بافنده های درجه یک ایران در کنار هم جمع شدند و با هنر خود بهترین نمونه های قالی تبریز را بافتند.

از تحول های مهمی که فرش تبریز را از حالت روستایی درآورد و آن را به یکی از نمونه های اعلای هنر درباری تبدیل کرد

فرش تبریز از مشهورترین قالی های ایرانیست و در این شهر و روستاها و شهرهای اطراف تبریز و آذربایجان شرقی بافته می شود. نام تبریز با نام فرش دستباف گره خورده است و این هنر از مهمترین صنایع دستی این شهر به شمار می آید. تاریخ فرش بافی در تبریز به سده ها قبل بر می گردد. فرش های تبریزی در آغاز در قالب طرح های روستایی و با رج پائین بافته می شد اما به مرور زمان بر هنر و تبحر قالی بافان اضافه و بر تعداد رج ها افزوده شد. این سطح از سلیقه، مهارت و ظرافت در بافت، قالی بافی را در تبریز به هنری درباری تبدیل کرد. مواد اولیه که در بافت قالی تبریز استفاده می شود به طور معمول از جنس پشم یا ابریشم هستند که این مواد باعث می شود فرش هایی با کیفیت اعلا در اختیار مصرف کننده قرار گیرد. فرش تبریز در طرح و بافت بسیار



می شود و در موسسه دوین تبریز نگهداری می شود. یک تخته قالی که به امپراتور چالز کوئینت تعلق داشت. دو تخته قالی بسیار زیبا در موزه پولدی میلان که اولی به سال ۱۵۲۲ میلادی مربوط بوده و دومی دارای امضای غیاث الدین جامی است و به نیمه دوم قرن ۱۶ تعلق دارد.

فروش فرش تبریز در دوره های بعد از صفویه کم کم رو به افول رفت؛ اما با کمک صنعتگران تبریزی در دوران قاجار و ابتدای حکومت

تعداد رج ها بود. رج هایی که از ۲۴ عدد در حالت روستایی به ۱۱۰ عدد در حالت درباری رسیدند و بر شکوه و پیچیدگی قالی تبریز افزودند. از دیگر تحول های مهمی که فرش تبریز در این دوره با آن مواجه شد طرح هایی بود که هنرمندان تبریزی و هراتی در زمان بافت فرش خود از آن استفاده می کردند و تعداد زیادی از فرش های مدالیون یا ترنج دار که در سالهای ابتدایی قرن ۱۶ میلادی در زمان حکومت شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب بافته شده اند که دارای طرح مایه اسلیمی و نقوش حیوانی و انسانی هستند. فرش تبریز اما در اصل از قرن هفدهم میلادی (قرن یازدهم) به بعد راه بازارهای جهانی را در پیش گرفت. هنرمندان تبریزی تلاش کردند تا از سلیقه



پهلوی آوازه فرش تبریزی دوباره بر سر زبانها افتاد و این هنر رونق گرفت. در این زمان بود که فرش ایران راه خود را به بازارهای دنیا باز کرد و صنعت فرش دستباف ایرانی احیا شد.

تبریز در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی صادرات فرش خود به استانبول و کشورهای اروپایی را از سر گرفت و صنعت فرش بافی در این شهر رشد یافت.

قالی نفیس تار و پود ابریشم «با زمینه کرک» پشم، قدیمی ترین فرش تبریز موجود است که به قرن دوازدهم تعلق دارد. تعداد رج های این فرش تبریزی ۵۵ بوده و سایز آن حدود شش متر مربع است. این قالی در اختیار یک کلکسیون دار خصوصی است و تا امروز هشت موزه بزرگ دنیا خواستار خرید آن شده اند.

مردم اروپا و آمریکا آگاه شوند و بر آن اساس قالی های خود را ببافند. این موضوع سبب شد تا طرح هایی بسیار جالب از این تلاش ها بیرون بیاید و بازار این کشورها در اختیار فرش تبریز قرار گیرد. این گونه تبریز به یکی از قطب های مهم بافندگی قالی در ایران و جهان تبدیل شد.

از جمله نمونه های مهمی که گفته می شود در کارگاه های قالی بافی تبریز در این دوران بافته شده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

قالی مشهور مسجد اردبیل که اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن از آن نگهداری می شود. قالی دیگری نیز که به این مسجد مربوط

هایی روشن و زنده بافته شده است که طرح هایی از درخت های پر شکوفه، چوپانی با گله ای گوسفند، دختری که به آوای موسیقی گوش می دهد و پیرمردی پیپ به دست در آن وجود دارد. تابستان نیز با صحنه هایی از فرایند درو و دسته های گندم که بر روی هم چیده شده اند به تصویر کشیده شده است. ته رنگ های طلایی و قرمز به عنوان رنگ های غالب، باعث شده تا یک دستی و یک نواختی در فرش ایجاد شود. این قالی با ابعاد ۲۷۶ در ۲۰۳ سانتی متر در یکی از موزه های هنر باکو در کشور آذربایجان نگهداری می شود.

قالی چهار فصل یا دوازده برج که در موزه تخصصی فرش موزه های آستان قدس رضوی نگهداری می شود. این قالی یکی از نفیس ترین فرش های مجموعه است. متن این قالی نیز به چهار قسمت تقسیم شده و هر قسمت از آن به مانند فرش قبلی یک فصل را نشان می دهد. همچنین در این فرش دوازده برج (ماه) سال از صور فلکی دیده می شود. این قالی نفیس در دوره قاجار و با تراکم ۵۳ گره متقارن (ترکی) در ۷ سانتی متر به شیوه لول و در ابعاد ۳۰۰ در ۲۱۸ سانتی متر بافته شده است. جنس تار و پود این قالی از پنبه و پرزهای آن از پشم بوده و بافنده از رنگ هایی مانند سورمه ای، کرم، قرمز روناسی، آبی تیره و روشن، سبز تیره و روشن، بنفش روشن، زیتونی، صورتی، زرد و فیلی در آن استفاده کرده است. در مرکز قالی، ترنجی بیضی شکل قرار دارد و به وسیله بندهای زنجیر کل فرش به چهار قسمت تقسیم شده است. دور تا دور ترنج

نمونه این قالی زیبا در اندازه ۹ متری در موزه فرش ایران وجود دارد که از لحاظ سلامت و شرایط متاسفانه در شرایط پایین تری از نمونه اصلی قرار گرفته است.

چهار فصل یکی از طرح های مشهور فرش آذربایجان بوده و فرش های بافت شده با آن شهرت بسیار دارند. نقشه طرح قالی چهار فصل به این صورت است که در میانه آن طرحی از انسان قرار دارد و در چهار سمت فرش طرحی از یک فصل (بهار، تابستان، پاییز و زمستان) بافته می شود. پیشینه تاریخی این طرح به دوره ساسانی باز می گردد و گفته می شود در ایوان مداین شهر تیسفون در هر فصل، قالی متناسب با آن فصل پهن می شده است. از این طرح نمونه هایی مشهوری وجود دارد که به دو مورد از معروفترین آنها اشاره می کنیم.

قالی چهار فصل دیگری که در قرن نوزدهم و در آذربایجان بافته شده است. استفاده از پشم خالص، نخ هایی با رنگ طبیعی و گره های ابریشمی از ویژگی های این قالی است. هر گوشه از این فرش یکی از چهار فصل سال را نشان می دهد و شیوه زندگی کشاورزان را به نمایش می گذارد. در مرکز فرش تصویری از شاعری معروف که به احتمال زیاد خیام است دیده می شود. هر یکی از چهار فصلی که در زمینه فرش دیده می شود از لحاظ اجزای سازنده و ترکیب، با دیگر قسمت های فرش تفاوت دارد و کاملاً مستقل است. در فصل پاییز، درو کردن، کشاورزی و کشت و کار نشان داده می شود و در تصویر زمستانی آن دهقانان در حال پارو کردن برف هستند و حیوان های باربر به سوی دهکده حرکت می کنند. در پس زمینه این شاهکار هنری، معماری آذربایجان یعنی مسجد کبود دیده می شود. فصل بهار نیز با رنگ



فرش تبریز با گره تُرکی بافته می شود از نوع دو پوده بوده و پرز آن کوتاه تر، نازکتر و سبکتر از بیشتر بافته های غیر عشایری در ایران است.

فرش های پیکرنگاری (تصویری) این شهر نیز بسیار مشهور است. در بافت فرش تبریز از طرح هایی نظیر لچک و ترنج، گلدانی، شاه عباسی، بته جقه ای، گلدانی، درختی، محرابی، قندیل دار، حیوان دار، شکارگاه، هراتی، شاخ و برگ، گلفرنگ، بندی خشتی یا قاب قابی، منظره بافی، قاب قرآنی و نقش های هندسی، مستوفی (کل فرنک مستوفی)، اسلیمی ترنج دار، اسلیمی لچک دار، نقش ماهی یا هراتی، گلدانی، مینا خانی، تصویری، باغی یا گلستانی، شکارگاه استفاده می کنند. تصاویری از مساجد، کاخ های باستانی، صحنه های نبرد و ویرانه ها اغلب در این فرش دیده می شوند و گاه شعرهایی از شاعران بزرگ مانند سعدی، حافظ، عمر خیام، فردوسی و شهریار بر حاشیه آن نقش می بندد. در این میان، قالی هایی که طرح لچک و ترنج دارند -به ویژه آنهایی که از لچک و ترنج قالی هریس (یکی از شهرهای آذربایجان شرقی) الهام گرفته اند طرفدار بیشتری دارد.



قدیمی ترین قالی تبریز (قالی نفیس تار و پود ابریشم)

مرکزی، قاب هایی دیده می شود که در میان آنها نام ماه های نجومی مانند حمل (گوسفند، فروردین)، ثور (گاو، اردیبهشت) و ... همراه با صور فلکی شان قرار دارد. در حاشیه این فرش نیز در فاصله های مشخص ده قاب با تصویرهایی از شاهان ایرانی و شخصیت های شاهنامه با نامشان آورده شده است.

ویژگی های مختلف فرش تبریز

هر هنر دستی در ایران ویژگی های خاص خود را دارد و از روی طرح، نوع ساخت، جنس مواد به کار رفته و دیگر نشانه های آن می توان متوجه شد که آن صنعت به کدام نقطه از ایران تعلق دارد. فرش تبریز نیز از این قاعده جدا نیست. قالی تبریز از جمله فرش هاییست که رج شمار بالا دارد و ریز بافت است. الیافی که در بافت آن به کار می روند مرغوب و درجه یک هستند. طرح معروفی که برای حاشیه آن مورد استفاده قرار می گیرد



قالی چهارفصل در موزه هنر شهر باکو آذربایجان

سماوریست؛ به این شکل که دو طرح اسلیمی در کنار یکدیگر شکلی از سماور را ایجاد می کنند فرش تبریز اندازه های مختلفی دارد و در تمام ابعاد بافته می شود.

فرش تبریز بیشترین گوناگونی را در طرح های خود دارد. در کنار تنوع طرح، قالی تبریز در استفاده از رنگ نیز گزینه های بسیاری را پیش روی بافنده قرار می دهد. این ویژگی یکی از دلایل محبوب بودن این فرش است. رنگ هایی که در فرش تبریز مورد استفاده قرار می گیرد اغلب تند و خام هستند و رنگ های کرم، قرمز و آبی تیره بیشتر در آن به کار گرفته می شوند.

طرح لچک ترنج

این طرح یکی از رایج ترین طرح ها در بافت فرش تبریز است؛ طرحی بسیار زیبا که قدمت آن به مکتب شاه عباسی باز می گردد و تا به امروز در صنعت قالی بافی تمام ایران مورد استفاده قرار گرفته است. واژه های ترنج و لچک به ترتیب معنای «بالنگ» و «گوشه» را می دهند. ترنج در وسط فرش قرار می گیرد و نمادی از ماه است و به شکل های دایره، بیضی و نواری طراحی می شود و با استفاده از نقش ها و رنگ بندی های خاص در فضایی مشخص قرار می گیرد. لچک هم همان برگ های دنداندار است که در حاشیه ترنج بافته می شوند و نماد ماهی هایی هستند که نیمه شب از زیر آب بیرون می آیند تا اطراف انعکاس ماه در آب جمع شوند و آن را تحسین کنند.

طرح زیر خاکی

در این سبک از رنگ هایی ویژه مانند رنگ بژ، زیتونی و سدری استفاده می کنند که به آن حالت زیر خاکی می دهد. نقشه این طرح نیز بیشتر الهام گرفته از آثار و بناهای باستانی و نقش شاهان و شخصیت های ادبی و شعری مشهور ایرانی است.

فرش های گل ابریشم

در کنار این طرح ها، فرش های گل ابریشم بسیار ظریف با رج شماره های ۵۰ و ۶۰ نیز در سال های اخیر بسیار معروف شده است و خواهان زیادی دارد. این گونه فرش ها که در برخی موارد با چله های ابریشمی بافته می شوند، بیشتر از طرح لچک و ترنج و رنگ های بژ روشن و نخودی استفاده می کنند. رنگ آمیزی گل ها و نگاره ها در این فرش ها بیشتر با استفاده از رنگ های سرخابی، عنابی و زیتونی است. عمده ابریشم این فرش نیز از خراسان و تهران تهیه می شود.



طرح صورتی

یکی از طرح‌های مشهور و با شکوه فرش تبریز، نقشه‌های صورتی و مجلسی‌ست که با استفاده از میراث گذشته ایران و با الهام از مجالس بزم‌های مینیاتوری یا کپی از آثار نقاش‌های معروف جهان کشیده می‌شود. این نوع از قالی‌ها تعداد رج‌های زیادی دارند و بافت‌شان ممکن است سالها به طول بینجامد. بیشتر این فرش‌ها به صورت سفارشی بافته می‌شوند و ده‌ها نوع خامه‌رنگی در آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. استاد بهادری هنرمند اصفهانی و رسام عرب زاده از پیشگامان این طرح بوده‌اند.

رنگ آمیزی فرش تبریز

از جمله ویژگی‌های برجسته فرش تبریز، رنگ‌های به کار رفته در آن بوده که باعث محبوب شدن این دست بافته در میان خریداران شده است. صباغی یا رنگ‌رزی دومین مرحله از تولید فرش در تبریز است و این رنگ‌ها در صباغ‌خانه‌های تبریز که قدمت برخی از آن‌ها به ۲۰۰ سال پیش بر می‌گردد تهیه می‌شود. گفته می‌شود ۸۰ درصد اهمیت فرش تبریز به رنگ و بافت آن باز می‌گردد.

شیوه رنگ‌بندی در نقشه‌های فرش تبریز و بیشتر مناطق آذربایجان به صورت کد گذاری و شماره نویسی بر روی نقشه‌های شطرنجی‌ست. هر طراح و رنگ‌بند برای خود مجموعه‌ای خاص دارد و برای هر رنگ شماره‌ای مخصوص به خود را بر روی نقشه می‌نویسد. یکی از جنبه‌های جذاب به کارگیری رنگ در فرش معاصر تبریز، دادن عمق و بُعد یا پرسپکتیو به طرح‌های دو بعدی‌ست که شناسه خاص فرش تبریز شده است. از دیگر ابداع‌های بافنده‌ها و طراح‌های تبریزی، استفاده از رنگ برای پر کردن فضاهای خالی به جای نقش است. این فن بیشتر در طرح زیر خاکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نوآوری دیگر ایجاد سایه با استفاده از رنگ‌ها در فرش است. استفاده نامحدود از رنگ‌های هم‌خانواده و سایه روشن در کنار یکدیگر می‌تواند باعث القای عمق شود. روش دیگر ایجاد تعادل بین رنگ‌های سرد و گرم است که وجود سایه و روشن‌های حاصل از این کار، به گل‌ها و متن‌های موجود در فرش حالتی برجسته می‌دهد که در این روش گل‌ها طبیعی‌تر دیده می‌شوند.

از ابریشم سفید و رنگی برای دورگیری گل‌ها و برگ‌ها استفاده می‌شود که این نیز یکی دیگر از ویژگی‌های فرش تبریز است. از رنگ‌های طبیعی که در قالی‌های آذربایجان مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌توان به روناس (گلی)، قرمز دانه (گلی) و قرمز

گره گفته می شود و بهترین روش ارزیابی کیفیت قالی ست. هر اندازه تعداد رج های یک قالی بیشتر کیفیت آن نیز بالاتر خواهد بود. از جمله مواد اولیه ای که در فرش دستباف تبریز مورد استفاده قرار می گیرد، می توان به پشم و ابریشم اشاره کرد. پشم مورد استفاده این قالی ها بیشتر از ماکو گرفته می شود که بهترین نوع پشم را دارد. این نوع از پشم از بز به دست می آید و به همین خاطر فرش های تبریز تا اندازه ای بافت خشن دارند. حالت ظاهری پرز فرش های تبریز نه درخشان است و نه ابریشمین. این عدم شفاف بودن و خشکی را ممکن است برخی به کیفیت پشم نسبت دهند که کاملاً قضیه برعکس آن است. این پدیده بیشتر به دلیل نوع رنگرزی و آب شور تبریز است که تازگی فرش را می گیرد. پرزها در فرش تبریز بسیار کوتاه و منظم است.

دار تبریزی

دار تبریزی یا عمودی را به این دلیل تبریزی می گویند که خاستگاه اولیه آن به ظاهر در تبریز بوده است. در تبریز از دیگر دارها استفاده نمی شود چون این دستگاه هم ساده بوده و هم ارزان است. پود نخی که برای پود قالی های تبریز استفاده می شود دو رشته دارد. یکی از آنها ضخیم و دیگری نازک است. از اولین رشته (سفید یا خاکستری) برای حجیم کردن قالی و انعطاف پذیری آن استفاده می کنند. این رشته

آتشی)، اسپرک (زرد) اشاره کرد. از ترکیب رنگ های زرد و نیلی، رنگ های سبز چمنی، زیتونی و مله ای به دست می آید. رنگ موشی (طوسی) یا خاک سیاه که در اصطلاح محلی به آن قره ترپاخ می گویند نیز از معادن میشه باره ارسباران استخراج می شود.

کهنه کردن قالی

یکی از تکنیک هایی که تجار تبریز برای کهنه نشان دادن قالی های نو استفاده می کنند کم کردن رنگ آنهاست. پس از رونق صادرات فرش ایران به اروپا و ناتوانی بازرگانان در تغذیه بازار و از آنجایی که قالی های کهنه طرفداران بسیاری داشت، تجار تبریز به کهنه کردن قالی ها روی آوردند. آنها فرش های نو را که دارای رنگ خام بودند با شستشوی فراوان، قرار دادن در آفتاب، مالش با چوبک، انداختن در معابر عمومی به صورت کهنه در می آوردند. یکی دیگر از این روش ها شستشوی فرش با خاکستر چوب بود که این روش امروزه، تنها روش پذیرفته شده برای کهنه کردن قالی ست.

مهم ترین ابعاد قالی های جدید شهری تبریز ۳ در ۲، ۲/۵ در ۳/۵ و ۴ در ۳ متر است و در ابعادهای کوچکتر یا بزرگتر از اینها نیز بافته می شود. البته شکل های دایره و چند ضلعی نیز در سالهای اخیر بسیار رایج شده است. تعداد رج های قالی تبریز معمولاً از ۲۴ رج شروع شده و تا ۱۱۰ رج ادامه پیدا می کند. رج به واحد تراکم



به صورت کشیده در میان نخ‌های تار که دو سطح زیر و رو دارد عبور می‌کند. رشته دوم هم بیشتر آبی نفتی و قرمز است و از میان همین تارها می‌گذرد. تنها تفاوت آن این است که، نخ‌های تاری را که رشته بود اول از هم جدا کرده دوباره به شکلی محکم به یکدیگر پیوند می‌دهد.

قلاب تبریزی

از دیگر مولفه‌های بافت فرش در تبریز بهره‌گیری از قلاب و کارد تبریزی‌ست. کاردی که در بافت فرش تبریز مورد استفاده قرار می‌گیرد ترکیبی از یک تیغه تیز و قلابی شبیه قلاب دکمه‌انداز است. از این قلاب برای گره زدن (به جای استفاده از دست) استفاده می‌کنند و با تیغه آن، نخ را پس از بستن گره می‌برند.

وبازار تاریخی تبریز

بازار تاریخی و سرپوشیده تبریز از جمله قدیمی‌ترین و مشهورترین و قدیمی‌ترین بازارهای ایرانی محسوب می‌شود. بازار تبریز بلندترین بازار سرپوشیده جهان بوده و نام آن در فهرست میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده است. در این میان راسته فرش فروشان تبریز یکی از مهمترین راسته‌های این بازار کهن و دیدنی‌ست و تیمچه فوق‌العاده زیبای مظفریه میزبان حجره‌های قدیمی فرش فروشی در این بازار است. تیمچه مظفریه که نام آن از مظفرالدین شاه قاجار گرفته شده و پیشکشی از حاج شیخ محمد قزوینی به ولیعهد وقت دوره قاجار بوده، معروفترین و زیباترین بخش بازار تبریز است. این تیمچه صد و سی ساله امروز یکی از مراکز بزرگ و عمده تجارت و صدور فرش و تابلو فرش‌های آذربایجان و ایران بوده و در دو طبقه ۵۲ حجره فرش فروشی را در خود جای داده است. در کنار اینها کار خدمات طرح، مرمت و رفوگری فرش‌های دستباف نیز در این تیمچه انجام می‌شود که این فعالیت‌ها بیشتر در





۱۳۲۰ هجری شمسی بافته شده است و در حدود ۱۱۱ مترمربع مساحت دارد. این فرش با رنگ های گیاهی خاصی بافته شده و بر روی تخته بندی گسترده ای در کف تالار فرش قرار گرفته است. تعدادی فرش نفیس دیگر نیز در تالارهای دیگر موزه وجود دارد که قدمت آنها به سال ۱۳۳۰ خورشیدی باز می گردد.

حجره های طبقه بالا صورت می پذیرد. البته که فرش ها و قالی هایی که در این بازار عرضه می شوند همگی دستباف هستند و هیچ فرش ماشینی اجازه ورود به تیمچه مظفریه را ندارد. قیمت قالی های دستباف در تیمچه مظفریه به چند متغیر بستگی دارد. ابعاد و اندازه قالی از مهمترین نکته های تعیین قیمت است. رج شمار که به اصطلاح بازار به آن ریز قالی می گویند ویژگی تعیین کننده دیگر است. هر اندازه که ریز قالی بیشتر باشد قیمت آن نیز بالاتر می رود. در همین زمینه خوب است بدانید قالی های عادی که در خانه ها مورد استفاده قرار می گیرند تعداد ۵۰ تا ۶۰ ریز بافت دارند.

در این میان صادرکنندگان فرش تبریز این صنعت دستی و هنر را به دنیا معرفی کردند. از جمله بزرگترین آنها می توان به حاج یوسف قالیچی، حاج عبدالله قالیچی، حاج میرزا جعفر اسلامبولچی، حاج صمد قره قالیچی، میرزا علی اصغر و میرزا علی اکبر و اسماعیل قالیچی، صدقیانی، ابیکچی، حاج محمد ممقانی، محمود اف-دیلمقانی، آواکیان، کاسباریان و اردوبادی اشاره کرد. تمام این عوامل دست به دست هم دادند و تبریز را به عنوان کانون بزرگ عرضه فرش های شهری بافت آذربایجان تعیین کردند. دو کارگاه حاج جلیلی و کهنمویی که از کارگاه های مشهور فرش بافی در تبریز هستند، از قرن ۱۹ تاکنون در این زمینه فعالیت دارند. در تالار فرش موزه شهرداری تبریز، بزرگترین فرش ایران نگهداری می شود که در سال



تالار فرش موزه
شهرداری تبریز
محل نگهداری
بزرگترین فرش
ایران



پایان



CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine